کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب صحیفه کامله مترجم عربی و فارسی

مصنف مؤلف بروایت نجم الدین بهاء الشرف . مترجم شناخته نشد

خطی چاپی نسخ و نستعلیق ۲۲ سطری نسخه صدراً و ذیلاً ناقص

سال چاپ یا تحریر ادائل سده ۱۱ عدد اوراق ۲۱۱

جزء کتب ادعیه شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۲۶۴۰ شماره قبض

واقف اسد اسدعلم تاریخ وقف خرداد ۲ ۱۳۶

طول ۱۹ عرض ۱۱ شماره صفحات

مِنْهَا صَحِيفَةً مَخْتُومَةً فَنَظَرَ إِلَى
از اینجا صحیفه مهر نهاده بس نظر کرد بسوی
الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى ثُمَّ فَضَّهُ وَفَتَحَ
مهر او و بوسه داد و بگریست بس بشکست و بگشاد
الْقُفْلَ ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا
قفل او را بس باز گشت صحیفه را و برداشت
عَلَى عَيْنِهِ وَأَمَرَّهَا عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ
و بر چشم نهاد و مالید او را بر روی خود و گفت
وَاللهِ يَا مُتَوَكِّلُ لَوْلَا مَا ذَكَرْتَ
بخدای ای متوکل اگر نه چیزی یاد کردی تو
مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِّي أَنَّنِي أُقْتَلُ وَأُصْلَبُ
از سخن پسر عم من که مرا بکشند و بیاویزند
لَمَا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَلَكُنْتُ بِهَا
هرآینه نمیدادم این را بتو و هرآینه بودم با اینها
ضَنِيناً وَلٰكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ
بخیل ولیکن من میدانم که گفتار او حق است
أَخَذَهُ عَنْ آبَائِهِ وَأَنَّهُ سَيَصِحُّ
فرا گرفت از پدران او و آن روز درست شد
فَخِفْتُ أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هٰذَا الْعِلْمِ إِلَى
بس ترسیدم که بیفتد مانند این علم
بَنِي أُمَيَّةَ فَيَكْتُمُوهُ وَيَدَّخِرُوهُ
بنی امیه د بوشید کنند او را و ذخیره کنند او را

مُقْفَ[ل]
قفل بر ن[هاده]

إِنِّي

عَلَيْهِمُ السَّلَا[مُ]
که برو باد سلا[م]

فَيَكْتُمُونَهُ وَيَدَّ[خِرُونَهُ]

فِي خَزَائِنِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ فَاقْبِضْهَا
در خزانهای شان ازبرای خودشان پس بگیر این را
وَاكْفِنِيهَا وَتَرَبَّصْ بِهَا فَإِذَا قَضَى
وکفایت کن این را و چشم میدار بان پس چون حکم کرده باشد
اللّٰهُ مِنْ أَمْرِي وَأَمْرِ هٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ
خدای از کاری مرا و کار این قوم را از
مَا هُوَ قَاضٍ فَهِيَ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ
آنچه او خواهد کرد پس این امانتی است مرا نزدیک تو
حَتَّى تُوصِلَهَا إِلَى ابْنَيْ عَمِّي مُحَمَّدٍ
تا برسانی اورا بسوی پسرای عم من محمد
وَإِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الْحَسَنِ
و ابراهیم پسران عبد الله پسر حسن
بْنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
پسر حسن پسر علی که بر و باد سلام
فَإِنَّهُمَا الْقَائِمَانِ فِي هٰذَا الْأَمْرِ
که ایشانند که خواهند بود در این کار
بَعْدِي قَالَ الْمُتَوَكِّلُ فَقَبَضْتُ
پس از من گفت متوکل پس فرا گرفتم
الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا قُتِلَ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ
صحیفه را پس چون بکشتند یحیی پسر زید را
صِرْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
بازگشتم بسوی مدینه پس دیدم بو عبد الله را

ابنِ ابی طالبٍ
پسر بو طالب

عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَدَّثْتُهُ الْحَدِيثَ
علیه السلام پس بگفتم او را حدیث

عَنْ يَحْيَى فَبَكَى وَاشْتَدَّ وَجْدُهُ بِهِ
از یحیی پس بگریست و سخت اندوهگین شد بسبب او

وَقَالَ رَحِمَ اللّٰهُ ابْنَ عَمِّي وَأَلْحَقَهُ
و گفت رحمت کند خدای پسر عم مرا و در رساناد او را

بِآبَائِهِ وَأَجْدَادِهِ وَاللّٰهِ يَا مُتَوَكِّلُ
به پدران او و پدر پدرانش بخدای ای متوکل

مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ
که باز نداشت مرا از دادن دعای او با او

إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَةِ أَبِيهِ
مگر آنکه ترسیده بود او بر صحیفه پدرش

وَأَيْنَ الصَّحِيفَةُ فَقُلْتُ هَا هِيَ فَفَتَحَهَا
و کجا است آن صحیفه پس گفتم اینک

وَقَالَ هٰذَا وَاللّٰهِ خَطُّ عَمِّي زَيْدٍ
و گفت اینست بخدای خط عم من زید

وَدُعَاءُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
و دعاء پدر پدر من علی پسر حسین

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ قُمْ
که بر ایشان باد سلام پس گفت مر پسر خود را برخیز

يَا إِسْمَاعِيلُ فَأْتِنِي بِالدُّعَاءِ الَّذِي
ای اسمعیل و بمن آور آن دعا را که

أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَصَوْنِهِ فَقَامَ اِسْمٰعِيلُ

امر کردم ترا بیاد گرفتن او و نگاهداشت او پس برخاست اسمعیل

فَاَخْرَجَ صَحِيفَةً كَاَنَّهَا الصَّحِيفَةُ

و بیرون آورد صحیفه که پنداری آن صحیفه بوده

الَّتِي دَفَعَهَا اِلَى يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ

که داده بود بسوی یحیی پسر زید

فَقَبَّلَهَا اَبُو عَبْدِ اللهِ وَوَضَعَهَا عَلَى

پس بوسید اورا ابو عبد الله و بگذاشت بر

عَيْنِهِ وَقَالَ هٰذَا خَطُّ اَبِي وَاِمْلَاءُ (عَيْنَيْهِ)

چشم خود و گفت این خط پدرم و املاء

جَدِّي عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِمَشْهَدٍ مِنِّي

جدم است که بر ایشان باد سلام بحضور من

فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اِنْ رَاَيْتَ

پس گفتم ای پسر رسول خدا اگر می بینی تو آ

اَنْ اَعْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى

که مقابله کنم این را با صحیفه زید و یحیی

فَاَذِنَ لِي فِي ذٰلِكَ وَقَالَ قَدْ رَاَيْتُكَ

پس اذن داد مرا در آن و گفت بدرستی که دیده ام

لِذٰلِكَ اَهْلًا فَنَظَرْتُ وَاِذَا هُمَا

برای این اهل پس نگریستم و آن هر دو

اَمْرٌ وَاحِدٌ وَلَمْ اَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ

در حکم یکی بود و نه یافتم حرفی که ازو خلاف ما

مِنْ اَيْنَ اَقْبَلْتَ قُلْتُ مِنَ الْحَجِّ فَسَأَلَنِي
از کجا می آیی گفتم از حج پس پرسید مرا
عَنْ اَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِيْنَةِ
از اهل خود و پسران عم خود بمدینه
وَاَحْفَى السُّؤَالَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
و مبالغه کرد در پرسیدن از جعفر پسر محمد
عَلَيْهِ السَّلٰمُ فَاَخْبَرْتُهُ بِخَبَرِهِ
علیه السلام پس خبر دادم او را بخبر او
وَخَبَرِهِمْ وَحُزْنِهِمْ عَلَى اَبِيْهِ زَيْدِ
و خبر ایشان و حزن ایشان بر پدرش زید
بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلٰمُ فَقَالَ لِي
پسر علی علیه السلام پس گفت مرا
قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلٰمُ
بدرستی که عم من محمد پسر علی علیه السلام
اَشَارَ عَلَى اَبِي بِتَرْكِ الْخُرُوْجِ وَعَرَّفَهُ
اشارت کرد بر پدرم بدست داشتن از خروج و بشناسانید او را
اِنْ هُوَ خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِيْنَةَ
که اگر خروج کند و جدا شود از مدینه
مَا يَكُوْنُ اِلَيْهِ مَصِيْرُ اَمْرِهِ
آنچه باشد بسوی او بازگشت کار او
فَهَلْ لَقِيْتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ
پس آیا دیدی تو پسر عم مرا جعفر پسر محمد

عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ
عليه السلام گفتم آری گفت آیا

سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ اَمْرِي
شنیدی که یاد میکرد چیزی از کار من

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ بِمَ ذَكَرَنِي خَبِّرْنِي
گفتم آری گفت بچه یاد میکرد مرا خبر ده مرا

قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا اُحِبُّ اَنْ
گفت بردم من فدای تو که دوست نمیدارم که

اَسْتَقْبِلَكَ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ
پیش تو نشان کنم از آنچه شنیدم از و که

فَقَالَ اَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي هَاتِ
بس گفت آیا بمرگ میترسانی مرا بیاور

مَا سَمِعْتَهُ فَقُلْتُ سَمِعْتُهُ يَقُولُ
آنچه شنیدی ازو گفتم شنیدم ازو که میگفت

اِنَّكَ تُقْتَلُ وَتُصْلَبُ كَمَا قُتِلَ اَبُوكَ
بدرستی که بکشند ترا و بردار کنند چنانکه بکشتند پدر ترا

وَصُلِبَ فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَقَالَ
و بدار کشیدند پس بگردید روی او و گفت

يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ
محو میکند خدای آنچه خواهد و اثبات کند ونزدیک او

اُمُّ الْكِتَابِ يَا مُتَوَكِّلُ اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ
اصل کتاب ای متوکل بدرستی که خدای عز و جل

ایدنا

ع

أيد هذا الأمر بنا وجعل لنا العلم
ازو دست داد این کار را بما و داد مر ما را دانش
والسيف فجمعا لنا وخص بنو عمنا
و شمشیر و جمع آورد از برای ما و خاص کرد پسر عم ما را
بالعلم وحده فقلت جعلت فداك
بعلم تنها تنها پس گفتم که بگرداند مرا فدای تو
إني رأيت الناس إلى ابن عمك جعفر
بدرستی که من دیدم مردمان را بسوی پسر عم تو جعفر
عليه السلام أميل منهم إليك
برو باد سلام مایل تر بدیشان که بسوی تو
وإلى أبيك فقال إن عمي محمد بن
و بسوی پدر تو بود پس گفت که بدرستی پسر عم محمد پسر
علي وابنه جعفرا عليهما السلام
علی و پسر او جعفر که برو باد سلام
دعوا الناس إلى الحيوة ونحن دعوناهم
خواندند مردمان را بسوی زندگانی و ما خواندیم ایشان را
إلى الموت فقلت يا ابن رسول الله
بسوی مرگ پس گفتم ای پسر پیغمبر خدا
أهم أعلم أم أنتم فأطرق إلى
آیا ایشان داناتر اند یا شما پس کند انداخت سر بسوی
الأرض مليا ثم رفع رأسه وقال
زمین دیر وقت پس برداشت سر خود را و گفت

فجمعهما ح

بن محمد ص
پسر محمد

بن محمد
پسر محمد

في حالة الوقف مليا او مليا او مليا وفي حالة الوصل مليا او مليا بالتنوين فيها ويشدد الياء ويخففها

ملا ٤١

كُلُّنَا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ
هر یک از ما علمی است جز آنکه ایشان دانند
كُلَّمَا نَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ كُلَّمَا يَعْلَمُونَ
و هرچه ما دانیم و نه دانیم هرچه دانند ایشان
ثُمَّ قَالَ لِي أَكَتَبْتَ مِنِ ابْنِ عَمِّي
پس گفت مرا نوشته از پسر عم من
شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَرِنِيهِ
چیزی را گفتم آری گفت بنمای بمن
فَأَخْرَجْتُ إِلَيْهِ وُجُوهًا مِنَ الْعِلْمِ
پس بیرون آوردم از بهر او رویها از علم
وَأَخْرَجْتُ لَهُ دُعَاءً أَمْلَاهُ عَلَيَّ
و بیرون آوردم او را دعای که املا کرده بود بر من
أَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَدَّثَنِي
پدر عبد الله بر او باد سلام و گفته بود مرا
أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
بدرستی پدر او محمد پسر علی که بر ایشان باد سلام
أَمْلَاهُ عَلَيْهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ
املا کرده بود بر او و خبر داده بود او را که بدرستی که این از
مِنْ دُعَاءِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
از دعای پدرش علی پسر حسین
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ
... السلام از دعای صحیفه

٥

عِندَكُم س

الْكَامِلَةِ فَنَظَرَ فِيهِ يَحْيَى حَتَّى أَتَى
كامله بس ديد در او يحيى تا آنكه آمد
عَلَى آخِرِهِ وَقَالَ لِي أَتَأْذَنُ فِي نَسْخِهِ
بر آخر او وگفت مرا دستورى ده در نسخه آن
فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ أَتَسْتَأْذِنُ
بس گفتم اى پسر رسول خدا دستورى ميخواهم
فِيمَا هُوَ عَنكُمْ فَقَالَ أَمَا لَأُخْرِجَنَّ
در آنچه او از شماست بس گفت كه من هرآينه بدر آورده
إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ
بسوى تو صحيفه از دعاهاى كامل
مِمَّا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ أَبِيهِ وَإِنَّ أَبِي
از آنچه يادگرفته پدر من از پدر او وبدرستى كه پدر من
أَوْصَانِي بِصَوْنِهَا وَمَنْعِهَا غَيْرَ أَهْلِهَا
وصيت كرد مرا بنگاهداشتن آن وباز داشتن آن از غير اهلش
قَالَ عُمَيْرٌ قَالَ أَبِي فَقُمْتُ إِلَيْهِ
گفت عمير گفت پدرم بس برخاستم بسوى او
فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَقُلْتُ لَهُ وَاللهِ
و بوسه دادم سر او را و گفتم او را بخداى
يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنِّي لَأَدِينُ اللهَ
اى پسر رسول خدا بدرستى كه من طاعت ميدارم خدا را
بِحُبِّكُمْ وَطَاعَتِكُمْ وَإِنِّي لَأَرْجُو

أَنْ يُسْعِدَنِي اللّٰهُ فِي حَيَاتِي وَمَمَاتِي

بِوِلَايَتِكُمْ وَرَمَى صَحِيفَتِي الَّتِي

دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ

وَقَالَ اكْتُبْ هٰذَا الدُّعَاءَ بِخَطٍّ

بَيِّنٍ حَسَنٍ وَاعْرِضْهُ عَلَيَّ لَعَلِّي

أَحْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ

مِنْ جَعْفَرٍ حَفِظَهُ اللّٰهُ فَيَمْنَعُنِيهِ

قَالَ مُتَوَكِّلٌ فَنَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ

وَلَمْ أَدْرِ مَا أَصْنَعُ وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقَدَّمَ إِلَيَّ أَلَّا أَدْفَعَهُ

إِلَى أَحَدٍ ثُمَّ دَعَا بِعَيْبَةٍ فَاسْتَخْرَجَ

فرمودم

ما في الصحيفة الأخرى ثم استأذنت
أبا عبد الله عليه السلام في دفع
الصحيفة إلى ابني عبد الله بن الحسن
فقال إن الله يأمركم أن تؤدوا
الأمانات إلى أهلها نعم فادفعها
إليهما فلما نهضت للقائهما
قال لي مكانك ثم وجه إلى محمد
وإبراهيم فجاءا فقال هذا ميراث
ابن عمكما يحيى من أبيه قد
خصكما به دون إخوته ونحن
مشترطون عليكما فيه شرطا

فقال لا رحمك الله قل فقولك المقبول

فقال لا تخرجا بهذه الصحيفة

من المدينة قالا ولم ذاك قال ان

ابن عمكما خاف عليها امرا اخافه

انا عليكما قالا انما خاف عليها

حين علم انه يقتل فقال ابو

عبد الله وانتما فلا تأمنا فوالله

اني لاعلم انكما ستخرجان

كما خرج وستقتلان كما قتل فقاما

وهما يقولان لا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم فلما خرجا قال لي

لا تخرجا بهذه

ابو عبد الله عليه السلم يا متوكل
كيف قال لك يحيى ان عمي محمد
بن علي وابنه جعفرا دعوا الناس
الى الحيوة ودعوناهم الى الموت
قلت نعم اصلحك الله قد قال
لي ابن عمك يحيى ذلك فقال يرحم
الله يحيى ان ابي حدثني عن ابيه
عن جده عن علي عليه السلام
ان رسول الله صلى الله عليه وآله
اخذته نعسة وهو على منبره
فرأى في منامه رجالا ينزون

عن جده علي

فادري
بخط

عَلَى مِنبَرِهِ نَزْوَ الْقِرَدَةِ يَرُدُّونَ
النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى
فَاسْتَوَى رَسُولُ اللّٰهِ جَالِسًا وَ
الْحُزْنُ يُعْرَفُ فِي وَجْهِهِ فَأَتَاهُ
جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ
وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ
إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ
فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ
إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ
قَالَ يَا جِبْرِيلُ أَعَلَى عَهْدِي يَكُونُونَ
وَفِي زَمَنِي قَالَ لَا وَلَكِنْ تَدُورُ

أي يردونهم بعد إيمانهم كفارا قال الله لا تمشون على أعقابكم القهقرى

صلى الله عليه وآله وسلم

جبرئيل

ج

رحى الإسلام من مهاجرك فتلبث
بذلك عشرا ثم تدور رحى الإسلام
على رأس خمسة وثلثين من مهاجرك
فتلبث بذلك خمسا ثم لا بد من رحى
ضلالة هي قائمة على قطبها ثم ملك
الفراعنة قال وانزل الله
تعالى في ذلك انا انزلناه في
ليلة القدر وما ادريك ما ليلة
القدر ليلة القدر خير من
الف شهر يملكها بنوا امية ليس
فيها ليلة القدر قال فاطلع الله

نبيه عليه السلام ان بني امية

تملك سلطان هذه الامة

وملكها طول هذه المدة فلو

طاولتهم الجبال لطالوا عليها

حتى يأذن الله تعالى بزوال ملكهم

وهم في ذلك يستشعرون

عداوتنا اهل البيت وبغضنا

اخبر الله نبيه بما يلقى اهل بيت

خبر داد خدای پیغمبر خود را با آنچه ببیند اهل بیت

محمد واهل مودتهم وشيعتهم

محمد و اهل دوستی ایشان و شیعیان ایشان

منهم في ايامهم وملكهم

از ایشان در روزگار ایشان و ملک ایشان

قال وانزل الله تعالى فيهم

گفت که و فرو فرستاد خدای تعالی در ایشان

الآية

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ

الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ

الْقَرَارُ وَنِعْمَةُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ

حُبُّهُمْ إِيمَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ وَ

بُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ يُدْخِلُ

النَّارَ فَأَسَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ وَأَهْلِ

بَيْتِهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ

مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا

أَحَدٌ لِيَدْفَعَ ظُلْماً أَوْ يَنْعَشَ حَقّاً
إِلَّا اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ وَكَانَ
قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا
وَشِيعَتِنَا قَالَ الْمُتَوَكِّلُ بْنُ هَارُونَ
ثُمَّ أَمْلَى عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الْأَدْعِيَةَ وَهِيَ خَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ
بَاباً سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدَ عَشَرَ بَاباً
وَحَفِظْتُ مِنْهَا نَيِّفاً وَسِتِّينَ بَاباً
وَحَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ قَالَ وَحَدَّثَنِي
مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ رُوزْبِهْ أَبُو بَكْرٍ
الْمَدَائِنِيُّ الْكَاتِبُ نَزِيلُ الرَّحْبَةِ

يَنْعَشُ
اى يرفع

اصطلام
اى استيصال

نيف آنچه از ده
كم باشد

رُوزْبِه
الرحبة بالفتح قرية بدمشق ومحلة بالكوفة وموضع بالبادية وقرية باليمامة

متوكل

فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ احْمَدَ
بْنِ مُسْلِمٍ الْمُطَهَّرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي اَبِي
عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مُتَوَكِّلٍ الْبَلْخِيِّ عَنْ
اَبِيهِ الْمُتَوَكِّلِ بْنِ هَرُونَ قَالَ
لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا
السَّلَامُ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِتَمَامِهِ
اِلَى رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
الَّتِي ذَكَرَهَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ
اَبَائِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ وَفِي
رِوَايَةِ الْمُطَهَّرِيِّ ذِكْرُ الْاَبْوَابِ
وَهِيَ التَّحْمِيدُ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَوٰةُ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَلصَّلوٰةُ عَلَى حَمَلَةِ

اَلْعَرْشِ اَلصَّلوٰةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ

دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ دُعَاؤُهُ

عِنْدَ الصَّبَاحِ دُعَاؤُهُ فِي الْمُهِمَّاتِ

دُعَاؤُهُ فِي الْاِسْتِعَاذَةِ دُعَاؤُهُ

فِي الْاِشْتِيَاقِ دُعَاؤُهُ فِي اللَّجَاءِ اِلَى اللهِ

تَعَالَى دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ دُعَاؤُهُ

فِي الْاِعْتِرَافِ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ وَطَلَبِ التَّوْبَةِ

دُعَاؤُهُ فِي الظُّلَامَاتِ دُعَاؤُهُ

عِنْدَ الْمَرَضِ دُعَاؤُهُ فِي الْاِسْتِقَالَةِ

دُعَاؤُهُ عَلَى الشَّيْطَانِ دُعَاؤُهُ

فی المحذورا

فِي الْمَحْذُورَاتِ دُعَاؤُهُ فِي عِنْدَ
الْإِسْتِسْقَاءِ دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ
الْأَخْلَاقِ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِكْفَاءِ
إِذَا أَحْزَنَهُ أَمْرٌ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشِّدَّةِ
دُعَاؤُهُ بِالْعَافِيَةِ دُعَاؤُهُ لِأَبَوَيْهِ
دُعَاؤُهُ لِوَلَدِهِ دُعَاؤُهُ لِجِيرَانِهِ
وَأَوْلِيَائِهِ دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ
دُعَاؤُهُ فِي التَّفَزُّعِ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَىٰ دُعَاؤُهُ إِذَا
قُتِّرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ دُعَاؤُهُ فِي
الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ دُعَاؤُهُ
بِالتَّوْبَةِ دُعَاؤُهُ فِي صَلَوةِ اللَّيْلِ

فِي التَّضَرُّعِ

دُعَاؤُهُ فِي الِاسْتِخَارَةِ دُعَاؤُهُ
فِي طَلَبِ السَّتْرِ دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا
بِالْقَضَاءِ دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ
دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ دُعَاؤُهُ
فِي الِاعْتِذَارِ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ
دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ
دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السَّتْرِ وَالْوِقَايَةِ
دُعَاؤُهُ عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ
دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ دُعَاؤُهُ
لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ دُعَاؤُهُ
لِوَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ دُعَاؤُهُ

دعاؤه اذا ابتلى
ورأى مبتلى بفضيحة
بذنب

للعيدين

لِلْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ
عَرَفَةَ دُعَاؤُهُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ
دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ
دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ دُعَاؤُهُ
فِي التَّضَرُّعِ دُعَاؤُهُ فِي الْإِلْحَاحِ
دُعَاؤُهُ فِي التَّذَلُّلِ دُعَاؤُهُ فِي
اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ دُعَاؤُهُ لِلضَّرُورَةِ
دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْيَقْظَةِ وَبَاقِي
الْأَبْوَابِ بِلَفْظِ أَبِي عَبْدِ اللهِ الْحَسَنِيِّ
رَحِمَهُ اللهُ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللهِ جَعْفَرُ
بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ

وَالْاِسْتِكَانَةِ

الْحُسَيْنِيُّ

بْنِ عُمَرَ بْنِ خَطَّابٍ الزَّيَّاتُ قَالَ

حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ النُّعْمَانِ الْأَعْلَمُ

قَالَ حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكِّلٍ

الثَّقَفِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكِّلِ بْنِ

هَارُونَ قَالَ أَمْلَى عَلَيَّ سَيِّدِي

الصَّادِقُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ

مُحَمَّدٍ قَالَ أَمْلَى جَدِّي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

عَلَى أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

السَّلَامُ بِمَشْهَدٍ مِنِّي

دُعَاءِ اول

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ

لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ فَقَالَ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْاَوَّلِ بِلَا اَوَّلٍ كَانَ
قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ
اَلَّذِى قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ اَبْصَارُ
النَّاظِرِينَ وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ اَوْهَامُ
الْوَاصِفِينَ اِبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ
اِبْتِدَاعًا وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ
اِخْتِرَاعًا ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ اِرَادَتِهِ
وَبَعَثَهُمْ فِى سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ لَا يَمْلِكُونَ
تَاخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ اِلَيْهِ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ
تَقَدُّمًا اِلَى مَا اَخَّرَهُمْ عَنْهُ وَجَعَلَ

لِكُلِّ زَوْجٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا
مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ لَا يَنْقُصُ مَنْ
زَادَهُ نَاقِصٌ وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ
مِنْهُمْ زَائِدٌ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيٰوةِ
أَجَلًا مَوْقُوتًا وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا
يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ وَيَرْهَقُهُ
بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى
أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ
قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ
ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

قال الله تعالى ومن كل شي خلقنا زوجين

مِنْهُمْ
ازايشان

مَمْدُودًا

الرهقة العجلة يقال طلبت فلانا حتى رهقته رهقا اى دنوت منه فربما اخذه وربما لم ياخذه

مَحْبُوب
و دوست داشت

أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ

أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ

مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ

مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ

مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ لَتَصَرَّفُوا

فِي مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا

فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَلَوْ كَانُوا

كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ

إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ

الحمد الشكر الكامل

الإبلاء الإحسان والإنعام يقال أبلاه يبليه ... والبلاء قد يكون حسنا قال الله تعالى ...

وَلَمْ يَسَعُوهُ

وَلَتَخَلَّوْا فِي حَيْرَتِهِمْ

فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام

بل هم اضلّ سبیلا و الحمد لله

علی ما عرّفنا من نفسه و الهمنا

من شکره و فتح لنا من ابواب

العلم بربوبیته و دلّنا علیه من

الاخلاص له فی توحیده و جنّبنا

من الالحاد و الشکّ فی امره حمدًا

نعمّر به فیمن حمده من خلقه

و نسبق به من سبق الی رضاه و

عفوه حمدًا یضیٔ لنا به ظلمات

البرزخ و یسهّل علینا به سبیل

نعمّر به نعمر معا

البرزخ القبره

المبعث

المبعث ويشرف به منازلنا عند

مواقف الاشهاد يوم تجزى

كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون

يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئا

ولا هم ينصرون ۞ حمدا يرتفع

بنا منا الى اعلى عليين فى كتاب

مرقوم يشهده المقربون حمدا

تقر به عيوننا اذا برقت الابصار

وتبيض به وجوهنا اذا اسودت

الابشار ۞ حمدا نعتق به من اليم

نار الله الى كريم جوار الله

باشد خدای بسوی کریم همسایگی خدا

البعث

عليون جنة فى السماء ... المؤمنين وقيل ارواح ... الجنة وقيل صخرة خضراء ية على باب الجنة وقيل عليون اعلى الامكنة وهى محل الملائكة وقيل وصف الملائكة وقيل عليون اسم السماء الرابعة قال ابن عباس ورأى السابعة وقال قتادة هى قائمة العرش اليمنى وقال الفراء عليون ارتفاع بعد ارتفاع لا غاية له

برق البصر اى شخص عند معاينة ملك الموت بكسر الراء بمعنى الحيرة وبفتحها والكسر بمعنى البرق والفتح بمعنى اللمع

تنبيه

له وقيل عند ذ... ان ... وظاهر القرآن يشهد بذلك

عذاب الله

حَمْدًا تَتَزَاحَمُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ

الْمُقَرَّبِينَ وَتَتَضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ

الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا

تَزُولُ وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي

لَا تَحُولُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ

لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ وَأَجْرَى عَلَيْنَا

طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ

بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلُّ

خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ

في مُقَامَتِهِ

وَمَحَالِّ

الْخُلُقَ في الْخِلْقَةِ

وَصَائِرٌ

الحاجة

الحاجة الا اليه فكيف نطيق
حمده ام متى نؤدي شكره
لا متى والحمد لله الذى ركب فينا
آلات البسط وجعل لنا ادوات
القبض ومتعنا بارواح الحيوة و
اثبت فينا جوارح الاعمال وغذانا
بطيبات الرزق واغنانا بفضله
واقنانا بمنه ثم امرنا ليختبر
طاعتنا ونهانا ليبتلى شكرنا
فخالفنا عن طريق امره وركبنا
متون زجره فلم يبتدرنا بعقوبته

انبت

اقناه اعطاه

وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ بَلْ تَأَنَّانَا
بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا وَانْتَظَرَ
مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ
نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ فَلَوْ لَمْ
نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ
حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا وَجَلَّ إِحْسَانُهُ
إِلَيْنَا وَجَسُمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا فَمَا
هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ
لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَلَمْ يُكَلِّفْنَا

تحلّماً نو

الافادة فایده دادن
وفایده گرفتن هم
مصادر

إِلَّا وُسْعًا وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا

وَلَمْ يَدَعْ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا

فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ

وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ

أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ

خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ

لَدَيْهِ حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ

كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ لَهُ

الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا

وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ

جشمت الامر بالكسر جشما وتجشمته اذا تكلفته على مشقة ص

خلائقه س

الخلق س

عدد ما احاط به علمه من جميع
الاشياء ومكان كل واحد
منها عددها اضعافا مضاعفة
ابدا سرمدا الى يوم القيمة حمدا
لا منتهى لحده ولا حساب لعدده
ولا مبلغ لغايته ولا انقطاع
لامده حمدا يكون وصلة الى
طاعته وعفوه وسببا الى رضوانه
وذريعة الى مغفرته وطريقا
الى جنته وخفيرا من نقمته
وامنا من غضبه وظهيرا على طاعته

نخ جميعا

نخ س معرفته

وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَعَوْنًا عَلَى
تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوَظَائِفِهِ حَمْدًا
نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ
وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ
أَعْدَائِهِ إِنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيدٌ

دعاء الثاني

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
بَعْدَ هٰذَا التَّحْمِيدِ الصَّلٰوةُ عَلَى رَسُولِ
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ
وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي

لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا
يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ فَخَتَمَ
بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ وَجَعَلَنَا
شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَكَثَّرَنَا
بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ اَللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ
نَجِيبِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَفِيِّكَ مِنْ
عِبَادِكَ إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ
وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ
نَفْسَهُ وَعَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ
بَدَنَهُ وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

وبرأ نخ

ذرأ الله خلق أي خلقهم ومنه الذرية ه

وآل محمد نخ

نجيّك س

والحامة الخاصة يقال كيف الحامة والعامة الرجل
وهؤلاء حامة اى اقرباؤه ٥

جَامَتَهُ وَحَارَبَ فِى رِضَاكَ اُسْرَتَهُ
وَقَطَعَ فِى اِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ
وَاَقْصَى الْاَدْنَيْنَ عَلَى جُحُودِهِمْ
وَقَرَّبَ الْاَقْصَيْنَ عَلَى اِسْتِجَابَتِهِمْ
لَكَ وَوَالَى فِيكَ الْاَبْعَدِينَ وَ
عَادَى فِيكَ الْاَقْرَبِينَ وَاَدْاَبَ
نَفْسَهُ فِى تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ وَاَتْعَبَهَا
بِالدُّعَاءِ اِلَى مِلَّتِكَ وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ
لِاَهْلِ دَعْوَتِكَ وَهَاجَرَ اِلَى بِلَادِ
الْغُرْبَةِ وَمَحَلِّ النَّائِى عَنْ مَوْطِنِ
رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ وَمَسْقَطِ

اى قرابته ويقال عترته ٥
آسرة الرجل هو رهطه لانه
يتقوى بهم قومه وقبيلته ٥

الادنين والاقصين بفتح النون
والصاد لان علامة الجمع كما قال
تعالى الاعلى انتم الاعلون وفى جمع
المصطفى المصطفين ٥

رَاسِهِ وَمَا أُنْسِ نَفْسِهِ اِرَادَةً مِنْهُ
سر ... و آرامگاه نفس خود خواست ...
لِإِعْزَازِ دِينِكَ وَاسْتِنْصَارًا عَلَى
برای عزیز کردن دین تو و یاری خواستن بر
اَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ حَتَّى اسْتَتَبَّ
اهل کفر بتو تا راست شد
لَهُ مَا حَاوَلَ فِي اَعْدَائِكَ وَاسْتَتَمَّ
مر اورا آنچه خواست در دشمنان تو و تمام شد
لَهُ مَا دَبَّرَ فِي اَوْلِيَائِكَ فَنَهَدَ اِلَيْهِمْ
اورا آنچه تدبیر کرد در حق دوستان تو پس ایشان گرد
مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ وَمُتَقَوِّيًا عَلَى
... بیاری تو و زور کنان بر
ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ فَغَزَاهُمْ فِي
ناتوانی خود بیاری تو پس غزای ایشان در
عُقْرِ دِيَارِهِمْ وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ
میان سرای ایشان و هجوم آورد بر ایشان
فِي بُحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ
در میانگاه آرامگاه ایشان تا پیدا شد
اَمْرُكَ وَعَلَتْ كَلِمَتُكَ وَلَوْ كَرِهَ
فرمان تو و بلند شد سخن تو و اگر چه ...
الْمُشْرِكُونَ اَللّٰهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا
... بار خدایا بردار اورا ...

استتب الامر ای تهیا واستقام د ص

نهد الی العدو ینهد بالفتح ای نهض ص قام

عقر الدار وسطها ومعظمها د

كدح

كدح فيك الى الدرجة العليا من جنتك
حتى لا يساوى فى منزلة ولا يكافأ
فى مرتبة ولا يوازيه لديك ملك مقرب
ولا نبى مرسل وعرفه فى اهله
الطاهرين وامته المؤمنين
من حسن الشفاعة اجل ما وعدته
يا نافذ العدة يا وافى القول يا
مبدل السيئات باضعافها من
الحسنات انك ذو الفضل العظيم
وكان من دعائه عليه السلم فى الصلوة
على حملة العرش وكل ملك مقرب

كدح وكدوح كار وكسب وكوشش كردن و كندن وكدور زيدن
يكافى
ملك
ايمائه الحكاية بلا امته الدعوة
اكمل
دعاء الثالث

اَللّٰهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ
لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا
يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ
مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ
عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ
الْوَلَهِ إِلَيْكَ وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ
الشَّاخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ
وَحُلُولَ الْأَمْرِ فَيُنَبِّهُ بِالنَّفْخَةِ
صَرْعَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ وَمِيكَائِيلُ
ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ وَالْمَكَانِ الرَّفِيعِ
مِنْ طَاعَتِكَ وَجِبْرَئِيلُ الْأَمِينُ عَلَى

لا يستحسرون اى لا ينقطعون عن العبادة

الوله ذهاب العقل والتحير من شدة الوجد للشوق

صرعى صراعى

صرعى اصل فى بعض النسخ

وَحيكَ الْمُطاعُ فِي اَهْلِ سَمٰواتِكَ
الْمَكينُ لَدَيْكَ الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ
وَالرُّوحُ الَّذي هُوَ عَلى مَلائِكَةِ
الْحُجُبِ وَالرُّوحُ الَّذي هُوَ مِنْ اَمْرِكَ
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ
الَّذينَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ سُكّانِ
سَمٰواتِكَ وَاَهْلِ الْاَمانَةِ عَلى رِسالاتِكَ
وَالَّذينَ لا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ
دُؤُوبٍ وَلا اِعْياءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَلا
فُتُورٌ وَلا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبيحِكَ
الشَّهَواتُ وَلا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظيمِكَ

اللهم في نسخة رحمه الله موجود في الاصل

جمع داب المشقة
والاعياء

سَهْوُ الْغَفَلَاتِ الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ

فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ النَّوَاكِسُ

الْأَذْقَانِ الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ

فِيمَا لَدَيْكَ الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ

آلَائِكَ وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ

وَجَلَالِ كِبْرِيَائِكَ وَالَّذِينَ

يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ

عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا

عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

وَأَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ وَحُمَّالِ الْغَيْبِ

الأَعْنَاقِ خ بخط الشهيد

وَحَمَلَةِ خ

الى رسلك

إِلَى رُسُلِكَ وَالْمُؤْتَمَنِينَ عَلَى وَحْيِكَ
وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ
وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ وَأَسْكَنْتَهُمْ
بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ وَالَّذِينَ
إِذا الأَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ
وَعْدِكَ وَخُزَّانِ الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ
السَّحَابِ وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ
يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ وَإِذَا سَبَحَتْ
بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ
الْبُرُوقِ وَمُشَيِّعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ

على ص

الزجل بالتحريك الصوت يقال سحاب زجل اي ذو رعد

خفيفة

حف الفرس يحف حفيفا واحففته انا اذا حملته على ان يكون حفيف وهو دوي جريه وكذلك حفيف جناح الطاير

وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ اِذَا نَزَلَ

وَالْقُوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ وَ

الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

وَالَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ

وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْاَمْطَارِ

وَعَوَالِجُهَا وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

اِلَى اَهْلِ الْاَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ

مِنَ الْبَلَاءِ وَمَحْبُوبِ الرَّخَاءِ وَالسَّفَرَةِ

الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالْحَفَظَةِ الْكِرَامِ

الْكَاتِبِينَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَاَعْوَانِهِ

وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَرُومَانَ فَتَّانِ

وَمُبَشِّرٍ وَبَشِيرٍ

القبور

القبور والطائفين بالبيت المعمور
ومالك والخزنة ورضوان و
سدنة الجنان والذين لا يعصون
الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون
والذين يقولون سلام عليكم
بما صبرتم فنعم عقبى الدار
والزبانية الذين اذا قيل لهم
خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه
ابتدروه سراعا ولم ينظروه
ومن اوهمنا ذكره ولم نعلم
مكانه منك وباي امر وكلته

السادن خادم الكعبة والجمع السدنة ومنه الحديث السدانة الكعبة اي خدمتها

الزبانية ماخوذ من الزبن وهو الدفع لانهم يدفعون اهل النار فيها وهم تسعة عشر قال الله تعالى تسعة عشر

الطاهرين وافعل بنا ما انت اهله في الدين
والدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير

وسكان الهواء والارض والماء
ومن منهم على الخلق فصل عليهم
يوم تأتي كل نفس معها قائم
وشهيد وصل عليهم صلوة
تزيدهم كرامة على كرامتهم
وطهارة على طهارتهم اللهم
واذا صليت على ملائكتك
ورسلك وبلغتهم صلاتنا عليهم
فصل عليهم بما فتحت لنا من حسن
القول فيهم انك جواد كريم

وكان من دعائه عليه السلام

دعاء الرابع

في الصلاة على أتباع الرسل ومصدقيهم

اللّهمّ وأتباع الرُّسُل ومصدّقوهم
من أهل الأرض بالغيب عند معارضة
المعاندين لهم بالتكذيب
والاشتياق إلى المرسلين بحقائق
الإيمان في كلّ دهر وزمان
أرسلت فيه رسولاً وأقمت لأهله
دليلاً من لدن آدم إلى محمّد صلّى
الله عليه وآله من أئمّة الهدى
وقادة أهل التقى على جميعهم
السلام فاذكرهم منك

اتباع

دعاء الخامس

والاشتياق

بمغفرة ورضوان اللهم
واصحاب محمد خاصة الذين احسنوا
الصحابة والذين ابلوا البلاء
الحسن في نصره وكانفوه واسرعوا
الى وفادته وسابقوا الى دعوته
واستجابوا له حيث اسمعهم
حجة رسالاته وفارقوا الازواج
والاولاد في اظهار كلمته
وقاتلوا الآباء والابناء في تثبيت
نبوته وانتصروا به ومن كانوا
منطوين على محبته يرجون تجارة

صلى الله عليه وآله

كانفوه

نصره

المكانفة المعاونة

رسالاته

لن تبور

ای لن تهلک البوار الهلاک

ای لن تکسد فیما بود

لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ هَجَرَتْهُمُ
الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ وَانْتَفَتْ
مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا
فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ فَلَا تَنْسَ لَهُمُ
اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ وَأَرْضِهِمْ
مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ
عَلَيْكَ وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ
دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ وَاشْكُرْهُمْ
عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ
وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى
ضِيقِهِ وَمَنْ كَثَّرْتَ فِي إِعْزَازِ

حاشوا ای جمعوا وضمّوا

دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ اَللّٰهُمَّ

وَاَوْصِلْ اِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِاِحْسَانٍ

اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا

وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ

خَيْرَ جَزَائِكَ الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

وَتَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ وَمَضَوْا عَلَى

شَاكِلَتِهِمْ لَمْ يَثْنِهِمْ رَيْبٌ

فِي بَصِيرَتِهِمْ وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ

شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ وَالْاِيتِمَامِ

بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ مُكَانِفِينَ

وَمُوَازِرِينَ لَهُمْ يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ

يقفون س

وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ يَقْتَفُونَ
عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا
إِلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ
مِنْ يَوْمِنَا هٰذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ
وَعَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَوٰةً
تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَتَفْسَحُ
لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَتَمْنَعُهُمْ
بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ وَتُعِينُهُمْ
بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ
وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

الأطهار رفقاً يطرق بخير وتبعثهم
بها على اعتقاد حسن الرجاء لك
والطمع فيما عندك وترك التهمة
فيما تحويه أيدي العباد لتردهم
إلى الرغبة إليك والرهبة منك
وتزهدهم في سعة العاجل
وتحبب إليهم العمل للآجل و
الاستعداد لما بعد الموت وتهون
عليهم كل كرب يحل بهم
يوم خروج الأنفس من أبدانها

اى من تدبير الابدان

وتعافيهم مما تقع به الفتنة

مِن مَحذُورَاتِهَا وَكَبَّةِ النَّارِ

وَطُولِ الخُلُودِ فِيهَا وَتُصَيِّرُهُم

إِلَى أَمْنٍ مِن مَقِيلِ المُتَّقِينَ

وَكَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ

لِنَفسِهِ وَأَهلِ وِلَايَتِهِ اللَّهُمَّ

يَا مَن لَا تَنقَضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحجُبنَا عَنِ

الإِلحَادِ فِي عَظَمَتِكَ وَيَا مَن لَا تَنتَهِي

مُدَّةُ مُلكِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَعتِق رِقَابَنَا مِن نَقِمَتِكَ وَيَا

مَن لَا تَفنَى خَزَائِنُ رَحمَتِهِ

المراد بالامن العلم بزوال ما كان المتقون يخافونه

الدعاء السادس

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا
نَصِيباً فِي رَحْمَتِكَ وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ
دُونَ رُؤْيَتِهِ الْأَبْصَارُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَدْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ وَيَا
مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَرِّمْنَا
عَلَيْكَ وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ
الْأَخْبَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَفْضَحْنَا
لَدَيْكَ اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هِبَةِ
الْوَهَّابِينَ بِهِبَتِكَ وَاكْفِنَا
وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ

ص الخطر الاشراق على الهلاك يقال خاطر بنفسه

خ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خ الْوَاهِبِينَ

حتى لا نرغب الى احد مع بذلك

رغبت نکنیم ما بسوی احدی با بخشش تو

ولا نستوحش من احد مع فضلك

و وحشت نکنیم ما از احدی با فضل تو

اللهم فصل على محمد وآله وكد

بار خدایا درود ده بر محمد و آل او و مکر کن

لنا ولا تكد علينا وامكر لنا

ولا تمكر بنا وادل لنا ولا تدل

منا اللهم صل على محمد وآله وقنا

منك واحفظنا بك واهدنا

اليك ولا تباعدنا عنك ان من تقه

بسوی خود و دور مکن ما را از خود بدرستی که

يسلم ومن تهده يعلم ومن

سالم باشد و هر را راه نمایی بداند و هر کرا

تقربه اليك يغنم اللهم

نزدیک کنی بتو غنیمت یابد از تو بار خدایا

صل على محمد وآله واكفنا حد

درود ده بر محمد و آل او و کفایت کن ما را

وكن لنا ولا تكن علينا

و باش برای ما و مباش بر ما

الادالة الغلبة يقال اللهم ادل لي على فلان اي انصرني عليه

من نقه نسلم ومن نهده نعلم ومن نقربه اليك نغنم

نوائب الزمان وشر مصائد
الشيطان ومرارة صولة السلطان
اللهم انما يكتفي المكتفون يكفي الكفاة
بفضل قوتك فصل على محمد وآله قوتك
واكفنا وانما يعطي المعطون
من فضل جدتك فصل على محمد
وآله واعطنا وانما يهتدي
المهتدون بنور وجهك فصل
على محمد وآله واهدنا اللهم
انك من واليت لم يضرره خذلان لم يضره
الخاذلين ومن اعطيت لم ينقصه

منع

مَنْعُ الْمَانِعِينَ وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ
يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنَا بِعِزِّكَ
مِنْ عِبَادِكَ وَأَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ
بِإِرْفَادِكَ وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ
الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا
فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا
فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَانْطِلَاقَ
أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِنَّتِكَ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا

الارفاد العطاء والاعانة

من دعاتك الداعين اليك وهداتك
الدالين عليك ومن خاصتك
الخاصين لديك يا ارحم الراحمين

دعاء السابع ٧

وكان من دعائه عليه السلام
عند الصباح والمساء

الحمد لله الذي خلق الليل
والنهار بقوته وميز بينهما
بقدرته وجعل لكل واحد
منهما حدا محدودا وامدا ممدودا

موقوتا

يولج كل واحد منهما في صاحبه
ويولج صاحبه فيه بتقدير

٣٣

سِنهُ لِلعِبَادِ فِيمَا يَغْدُو هُمْ بِهِ
وَيُنشِئُهُم عَلَيهِ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيلَ
لِيَسكُنُوا فِيهِ مِن حَرَكَاتِ التَّعَبِ
وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ وَجَعَلَهُ لِبَاسًا
لِيَلبَسُوا مِن رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ فَيَكُونَ
ذَلِكَ لَهُم جَمَامًا وَقُوَّةً وَلِيَنَالُوا بِهِ
لَذَّةً وَشَهوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ
مُبصِرًا لِيَبتَغُوا فِيهِ مِن فَضلِهِ وَلِيَتَسَبَّبُوا
إِلَى رِزقِهِ وَيَسرَحُوا فِي أَرضِهِ
طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيلُ العَاجِلِ مِن
دُنيَاهُم وَدَركُ الأَجلِ فِي أُخرَاهُم

بِهَطَاتِ
نهض اي قام
يقال جمّ الفرس جمامًا وجمامًا اذا ذهب اعياؤه
وَيَتَسَبَّبُوا
اي يرعوا

بكل ذلك يصلح شأنهم ويبلو
أخبارهم وينظر كيف هم في
أوقات طاعته ومنازل فروضه
ومواقع أحكامه ليجزي الذين
أساؤا بما عملوا ويجزي الذين
أحسنوا بالحسنى اللهم فلك
الحمد على ما فلقت لنا من الإصباح
ومتعتنا به من ضوء النهار و
بصرتنا من مطالب الأقوات
ووقيتنا فيه من طوارق الآفات
أصبحنا وأصبحت الأشياء كلها

بِجُمْلَتِهَا لَكَ سَمَآؤُهَا وَاَرْضُهَا
وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا
سَاكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَشَاخِصُهُ
وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ
تَحْتَ الثَّرٰى اَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ
يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ وَتَضُمُّنَا
مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ اَمْرِكَ
وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا مِنَ
الْاَمْرِ اِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ
اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ وَهٰذَا يَوْمٌ حَا...
جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَا... ...يدٌ

فِي كُلٍّ مِنْهُمَا
الكسر في الموضع من
... علَنَ
اَللّٰهُمَّ

إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنَا
فَارَقَنَا بِذَمٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ
وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ
جَرِيرَةٍ أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ
وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ
أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَامْلَأْ
لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً وَشُكْراً
وَأَجْراً وَذُخْراً وَفَضْلاً وَإِحْسَاناً
اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ
مَؤُونَتَنَا وَامْلَأْ لَنَا صَحَائِفَنَا

مُجَاوَرَتِهِ

الجريرة الخيانة

٣٤

صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ

مِنْ حَسَنَاتِنَا وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ
بِسُوْءِ اَعْمَالِنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا
فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا
مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيْبًا مِنْ شُكْرِكَ
وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا
مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْنَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ
اَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيْعِ
نَوَاحِيْنَا حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ
هَادِيًا اِلٰى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلًا
لِمَحَبَّتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا وَلَيْلَتِنَا
هٰذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ
الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ
النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ
الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ
وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَ
نُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ
الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ
يَوْمٍ عَهِدْنَاهُ وَأَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ

حياطة الاسلام حفظ من جميع جوانبه

في المتهجد المضلّ ووجد بخط مولفه ايضا المضل

الهضيمه داده خواه ومظلوم

صاحبناه

وَخيرَ وَقتٍ ظَلِلْنا فيهِ وَاجْعَلنا

مِنْ ارْضى مَنْ مَرَّ عَليهِ اللّيلُ

وَالنّهارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلقِكَ اَشْكَرَهُمْ

لِما اَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَاَقْوَمَهُمْ

بِما شَرَعْتَ مِنْ شَرائِعِكَ وَاَوْقَفَهُمْ

عَمّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ اَللّهُمَّ

اِنّي اُشْهِدُكَ وَكَفى بِكَ شَهيدًا

وَاُشْهِدُ سَماءَكَ وَاَرْضَكَ وَمَنْ

اَسْكَنْتَهُما مِنْ مَلائِكَتِكَ وَسائِرِ

خَلقِكَ في يَوْمي هذا وَساعَتي هذِهِ

وَلَيْلَتي هذِهِ وَمُسْتَقَرّي هذا

نِعمتك

اَنِّى اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِى
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلٌ
فِى الْحُكْمِ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ مَالِكُ
الْمُلْكِ رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ
مِنْ خَلْقِكَ حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَكَ
فَاَدَّاهَا وَاَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِاُمَّتِهِ
فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ وَاٰتِهِ اَفْضَلَ مَا اٰتَيْتَ
اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَاجْزِهِ عَنَّا

قائماً س
عادلٌ عادلاً س
مالكٌ للملك
رحيماً س
رسالاتك
عنا خ

افضل

أَفْضَلَ وَأَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا
مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ إِنَّكَ أَنْتَ
الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

خ المُنتجبين

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دعاء الث... ٨

إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ
بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ
يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَيَا
مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ

يُلتمسُ مِنهُ المخرجُ إلى رَوحِ الفرجِ
ذَلّتْ لِقُدرَتِكَ الصِّعابُ
وَتَسَبَّبَتْ بِلُطفِكَ الأسبابُ
وَجَرَى بِقُدرَتِكَ القَضاءُ وَمَضَتْ
عَلَى إرادَتِكَ الأشياءُ فَهِيَ بِمَشِيّتِكَ
دُونَ قَولِكَ مُؤتَمِرَةٌ وَبِإرادَتِكَ
دُونَ نَهيِكَ مُنزَجِرَةٌ أنتَ
المَدعُوُّ لِلمُهِمّاتِ وَأنتَ المَفزَعُ
فِي المُلِمّاتِ لا يَندَفِعُ مِنها إلّا
ما دَفَعتَ وَلا يَنكَشِفُ مِنها إلّا
ما كَشَفتَ وَقَد نَزَلَ بِي يا رَبِّ

وَجَرَتْ

بِمَشِيئَتِكَ
لِمَشِيئَتِكَ

وَنَهيِكَ

المهمّ الأمر الشديد
والمُلِمّة النازلة من
نوازل الدنيا

٦٩

ما قد تكاءدني ثقله وألمّ بي
ما قد بهظني حمله وبقدرتك
أوردته عليّ وبسلطانك وجّهته
إليّ فلا مصدر لما أوردت ولا
صارف لما وجّهت ولا فاتح لما
أغلقت ولا مغلق لما فتحت ولا
ميسّر لما عسّرت ولا ناصر لمن
خذلت فصلّ على محمد وآله وافتح لي
يا ربّ باب الفرج بطولك و
اكسر عنّي سلطان الهمّ بحولك
وأنلني حسن النظر فيما شكوت

تكاءدني: عقبة كؤد اى شاقة المصعد

الخذلان ترك النصر

وَاَذِقْنِی حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِیمَا سَأَلْتُ
وَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا
هَنِیْئًا وَاجْعَلْ لِی مِنْ عِنْدِكَ
مَخْرَجًا وَحِیًّا وَلَا تَشْغَلْنِی بِالْاِهْتِمَامِ
عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ
سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِی
یَا رَبِّ ذَرْعًا وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ
مَا حَدَثَ عَلَیَّ هَمًّا وَاَنْتَ الْقَادِرُ
عَلَی كَشْفِ مَا مُنِیتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا
وَقَعْتُ فِیهِ فَافْعَلْ بِی ذَلِكَ وَاِنْ لَمْ
اَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ یَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ

قَرِیبًا خ

فَسِیحًا خ

وَسُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ

مَا ابْتَلَیْتُ

دعاء التاسع

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْاَخْلَاقِ وَمَذَامِّ الْاَفْعَالِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ وَسَوْرَةِ الْغَضَبِ وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ الصَّبْرِ وَقِلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَشَكَاسَةِ الْخُلُقِ وَاِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَمُتَابَعَةِ الْهَوٰى وَمُخَالَفَةِ الْهُدٰى وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ وَتَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَاِيْثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ وَالْاِصْرَارِ عَلَى

اِنَّا نَعُوذُ

الحمية ننك وعار

المآثم واستصغار المعصية و
استكثار الطاعة ومباهات
المكثرين والازراء بالمقلين
وسوء الولاية لمن تحت ايدينا
وترك الشكر لمن اصطنع
العارفة عندنا او ان نعضد
ظالما او نخذل ملهوفا او نروم
ما ليس لنا بحق او نقول في العلم
بغير علم ونعوذ بك ان ننطوي
على غش احد وان نعجب باعمالنا
ونمد في آمالنا ونعوذ بك من سوء

الازراء التهاون بالشيء يقال ازريت به اذا قصرت به وازريته اي حقرته ه

الملهوف المظلوم يستغيث واللهيف المضطر به ه

السريرة

١٣٧

السَّرِيرَةِ وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ
وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ
أَوْ أَنْ يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ أَوْ
يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ وَنَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنَ الْفَقْرِ
إِلَى الْأَكْفَاءِ وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي
شِدَّةٍ وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ وَنَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى وَالْمُصِيبَةِ
الْكُبْرَى وَأَشْقَى الشَّقَاءِ وَسُوءِ
الْمَآبِ وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ وَحُلُولِ
الْعِقَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ونعوذ بك من تناول الإسراف ومن فقدان الكفاف م

الكفو النظير والمساوي

عدّه آنچه ساخته شده باشد براى حوادث روزگار مثل مال وسلاح وخوردنى وامثال آن

بِرَحْمَتِكَ

واعذني من كل ذلك وجميع
المؤمنين والمؤمنات يا ارحم الراحمين
وكان من دعائه عليه السلام
في الاشتياق الى طلب المغفرة
من الله جل جلاله اللهم صل
على محمد واله وصيرنا الى محبوبك
من التوبة وازلنا عن مكروهك
من الاصرار اللهم ومتى وقفنا
بين نقصين في دين او دنيا فاوقع
النقص باسرعهما فناء واجعل
التوبة في اطولهما بقاء واذا

عز وجل

دعاء العاشر ١٠

همنا

هَمَمْنَا بِهَمَّيْنِ يُرْضِيكَ اَحَدُهُمَا
همت نمودیم بدو همت که خشنود کند ترا یکی ازان

عَنَّا وَيُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا فَمِلْ
دو ازما و خشم آورد ترا آن دیگر بر ما پس میل ده

بِنَا اِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا وَاَوْهِنْ
ما را بآنچه خشنود دارد ترا ازما و سست کن

قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا وَلَا تُخَلِّ
زور ما را ازانچه خشم آورد ترا بر ما و مگذار

فِي ذَلِكَ بَيْنَ نُفُوسِنَا وَاخْتِيَارِهَا
در این میان نفسهای ما و اختیار کردن آن

فَاِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ اِلَّا مَا وَفَّقْتَ
پس بدرستی که آن اختیار کننده است باطل را مگر آنچه توفیق دهی

اَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمْتَ اَللّٰهُمَّ
از سرکشی کردن ببدی مگر آنچه رحمت کنی تو بار خدایا

وَاِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا وَعَلَى
و بدرستی که از ضعف آفریدی ما را و بر

الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ
سستی بنا کردی ما را و از آب ضعیف

اِبْتَدَأْتَنَا فَلَا حَوْلَ لَنَا اِلَّا بِقُوَّتِكَ
ابتدا کردی ما را پس نیست حیلتی ما را مگر بزور تو

وَلَا قُوَّةَ لَنَا اِلَّا بِعِزَّتِكَ فَاَيِّدْنَا
و نیست زوری ما را مگر بعزت تو پس قوت ده ما را

و مهما

قوانا بحظ كف

بقدرتك

بعونك

بِتَوْفِيقِكَ وَسَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ
بتوفیق خود و درست دار ما را بدرستی کردن خود

وَاَعْمِ اَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ
و کور کن چشمهای دلهای ما را از آنچه مخالف دوستی تو است

وَلَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا
و مگردان مر چیزی را از اندامهای ما روانی

فِي مَعْصِيَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
در نافرمانی تو بار خدایا پس درود بر محمد

وَآلِهِ وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا
و آل او و گردان آوازهای نرم دلهای ما را

وَحَرَكَاتِ اَعْضَائِنَا وَلَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا
و حرکات اندامهای ما و نگریستن چشمهای ما

فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتّٰى لَا تَفُوتَنَا
در موجبات ثواب تو تا درنگذارد ما را

حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ وَلَا
نیکی که سزاوار گردیم بدان جزای ترا و نماند

تَبْقٰى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ
از ما بدی که سزاوار گردیم بدان عذاب ترا

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
و بود از دعای او که بر او باد سلام

فِي اللَّجَاءِ اِلَى اللهِ تَعَالٰى اَللّٰهُمَّ اِنْ
در پناه دادن بسوی خدای تعالی بار خدایا اگر

الهمس الصوت الخفي وهمس الاقدام اخفاما يكون من صوت القدم ه نخ

وَلَهَجَاتِ اَلْسِنَتِنَا

دعای سادس عشر

٣٦

تَشَا تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ وَاِنْ تَشَأْ
تُعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِكَ فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ
بِمَنِّكَ وَاَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ
فَاِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ وَلَا
نَجَاةَ لِاَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ يَا
غَنِيَّ الْاَغْنِيَاءِ هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ
يَدَيْكَ وَاَنَا اَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ اِلَيْكَ
فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِكَ وَلَا تَقْطَعْ
رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ فَتَكُونَ قَدْ
اَشْقَيْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ بِكَ وَحَرَمْتَ
مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ فَاِلَى مَنْ حِينَئِذٍ

مُنقلبُنا عنكَ وَالىَ اين مذهبُنا

عَنْ بابِكَ سُبحانكَ نحنُ المضطرّون

الّذين اوجبتَ اجابتهم واهلُ

السّوء الّذين وعدتَ الكشفَ

عنهم واشبهُ الاشياءِ بمشيّتك — بسُنّتك

واولى الامورِ بكَ فى عظمتكَ رحمةُ

من استرحمكَ وغوثُ من استغاث

بكَ فارحمْ تضرّعنا اليكَ واغثنا — واغنِنا لخ

اِذ طرحنا انفسنا بين يديكَ اللّهمّ

اِنّ الشّيطانَ قد شمتَ بنا اِذ

شايعناه على معصيتك فصلّ على محمّد

وآله ولا تشمته بنا بعد تركنا
إياه لك ورغبتنا عنه إليك

وكان من دعائه عليه السلام
بخواتيم الخير

يا من ذكره
شرف للذاكرين ويا من شكره
فوز للشاكرين ويا من طاعته
نجاة للمطيعين صل على محمد وآله
واشغل قلوبنا بذكرك عن كل
ذكر وألسنتنا بشكرك عن كل شكر
وجوارحنا بطاعتك عن كل
طاعة فإن قدرت لنا فراغا من شغل

فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا
فِيهِ تَبِعَةٌ وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَامَةٌ
حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ
السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ
سَيِّئَاتِنَا وَيَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ
عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا
وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا وَتَصَرَّمَتْ
مُدَدُ أَعْمَارِنَا وَاسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُكَ
الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي
عَلَيْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً

التبعة ما يتبع الشيء من النوائب قاله ابن الاثير في النهاية وفي حديث قيس بن عاصم يا رسول الله ما المال الذي ليس فيه تبعة من طالب ولا ضيف يريد بالتبعة ما يتبع المال من نوائب الحقوق وهو من تبعت الرجل بحقي

كُتَّابُ

مُدَّةٌ

لَا تُوقِفْنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ
وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا وَلَا تَكْشِفْ
عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤُسِ الْأَشْهَادِ
يَوْمَ تَبْلُوا أَخْبَارَ عِبَادِكَ إِنَّكَ رَحِيمٌ
بِمَنْ دَعَاكَ وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

دعاء ثالث عشر ١٣

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
الْاعْتِرَافِ وَطَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللهِ تَعَالَى

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ
خِلَالٌ ثَلَاثٌ وَتَحْدُونِي عَلَيْهَا
خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ
فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ وَنَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ

فَأَسْرَعْتُ اِلَيْهِ وَنِعْمَةٌ اَنْعَمْتَ
بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا
وَيَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ
عَلَى مَنْ اَقْبَلَ بِوَجْهِهِ اِلَيْكَ وَوَفَدَ
بِحُسْنِ ظَنِّهِ اِلَيْكَ اِذْ جَمِيعُ اِحْسَانِكَ
تَفَضُّلٌ وَاِذْ كُلُّ نِعَمِكَ اِبْتِدَاءٌ
فَهَا اَنَذَا يَا اِلَهِي وَاقِفٌ بِبَابِ
عِزِّكَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ
وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ
الْبَائِسِ الْمُعِيلِ مُقِرٌّ لَكَ بِاَنِّي لَمْ
اَسْتَسْلِمْ وَقْتَ اِحْسَانِكَ اِلَّا

عليك

نعمتك

بالاقلاع عن عصيانك ولم اخل
في الحالات كلها من امتنانك
فهل ينفعني يا الهي اقراري عندك
بسوء ما اكتسبت وهل ينجيني
منك اعترافي لك بقبيح ما
ارتكبت ام اوجبت لي في مقامي
هذا سخطك ام لزمني في وقت
دعاي مقتك سبحانك لا ايئس
منك وقد فتحت لي باب التوبة
اليك بل اقول مقال العبد الذليل
الظالم لنفسه المستخف بحرمة

ولم اخل في الحالات كلها
من احسانك ولم انسلخ
من احسانك مع وقوع
عصيانك

اوجب

آئس یأس

استخف به اهانه

رَبِّهِ الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ
وَأَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ حَتَّى إِذَا
رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ
وَغَايَةَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ وَأَيْقَنَ أَنَّهُ
لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ وَلَا مَهْرَبَ لَهُ
عَنْكَ تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ وَأَخْلَصَ
لَكَ التَّوْبَةَ فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ
طَاهِرٍ نَقِيٍّ ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ
خَفِيٍّ قَدْ تَطَأْطَأَ لَكَ فَانْحَنَى
وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْثَنَى قَدْ
أَرْعَشَتْ خَشْيَتُهُ رِجْلَيْهِ وَغَرَّقَتْ

المحيص المعدل ومنه قوله تعالى محيصا اى معدلا

خامل

طأطأ

حدّيه

دموعه خدّيك يدعوك بيا ارحم
الرّاحمين ويا ارحم من انتابه
المسترحمون ويا اعطف من اطاف
به المستغفرون ويا من عفوه
اكثر من نقمته ويا من رضاه
اوفر من سخطه ويا من تحمّد الى
خلقه بحسن التجاوز ويا من عوّد
عباده قبول الانابة ويا من
استصلح فاسدهم بالتوبة ويا
من رضى من فعلهم باليسير
ويا من كافا قليلهم بالكثير

وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ اِجَابَةَ الدُّعَاءِ
وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ
حُسْنَ الْجَزَاءِ مَا اَنَا بِاَعْصَى مَنْ
عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَمَا اَنَا بِاَلْاَمِ
مَنِ اعْتَذَرَ اِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ
وَمَا اَنَا بِاَظْلَمِ مَنْ تَابَ اِلَيْكَ فَعُدْتَ
عَلَيْهِ اَتُوبُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي
هٰذَا تَوْبَةَ نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ
مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَالِصِ
الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ عَالِمٍ بِاَنَّ الْعَفْوَ
عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ

بِاَلْوَمِ
ملامت زده

وان

وَاَنَّ التَّجاوُزَ عَنِ الاِثْمِ الْجَلیلِ لا
یَسْتَصْعِبُكَ وَاَنَّ احْتِمالَ الْجِنایاتِ
الْفاحِشَةِ لا یَتَكَأَّدُكَ وَاِنَّ
یَتَكاءَدُكَ
اَحَبَّ عِبادِكَ اِلَیْكَ مَنْ تَرَكَ
الاِسْتِكْبارَ عَلَیْكَ وَجانَبَ
الاِصْرارَ وَلَزِمَ الاِسْتِغْفارَ وَاَنَا
اَبْرَأُ اِلَیْكَ مِنْ اَنْ اَسْتَكْبِرَ
وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ اُصِرَّ وَاَسْتَغْفِرُكَ
لِما قَصَّرْتُ فیهِ وَاَسْتَعینُ بِكَ
عَلی ما عَجَزْتُ عَنْهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لی ما یَجِبُ عَلَیَّ

لا یَتَصَعَّدُكَ خ
لا یَسْتَضْعِفُكَ خ

لَكَ وَعَافِنِي مِمَّا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ
وَاَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ اَهْلُ الْاِسَاءَةِ
فَاِنَّكَ مَلِيءٌ بِالْعَفْوِ مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ
مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ وَلَيْسَ لِحَاجَتِي
مَطْلَبٌ سِوَاكَ وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ
غَيْرُكَ حَاشَاكَ وَلَا اَخَافُ عَلَى نَفْسِي
اِلَّا اِيَّاكَ اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَ
اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حَاجَتِي وَاَنْجِحْ طَلِبَتِي
وَاغْفِرْ ذَنْبِي وَآمِنْ خَوْفَ نَفْسِي
اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذٰلِكَ

وَاَنْجِحْ نجح

دعاء رابع
١٤

عَلَيْكَ يَسِيرٌ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى

اَللّٰهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ

وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالْأَثْمَانِ

وَيَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ

بِالْاِمْتِنَانِ وَيَا مَنْ يُسْتَغْنَى بِهِ

وَلَا يُسْتَغْنَى عَنْهُ وَيَا مَنْ يُرْغَبُ

إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا يُفْنِي

خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ

حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا يَنْقَطِعُ
عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ وَيَا مَنْ لَا
يُغْنِيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ تَمَدَّحْتَ
بِالْغِنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ
الْغِنَى عَنْهُمْ وَنَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ
وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ فَمَنْ
حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ
وَرَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ
فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا
وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا وَمَنْ
تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

حِكْمَةُ
عِنْدَهُ
يُغْنِيهِ يُغْنِيهِ
تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَى بِالْغِنَى
مِنْ مَظَنَّتِهَا
وِجْهَتِهَا

اَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ
تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ وَاسْتَحَقَّ مِنْ
عِنْدِكَ فَوْتَ الْاِحْسَانِ اَللّٰهُمَّ
وَلِى اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا
جُهْدِى وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِى
وَسَوَّلَتْ لِى نَفْسِى رَفْعَهَا اِلَى مَنْ
يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ اِلَيْكَ وَلَا يَسْتَغْنِى
فِى طَلِبَاتِهِ عَنْكَ وَهِىَ زَلَّةٌ مِنْ
زَلَلِ الْخَاطِئِينَ وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ
الْمُذْنِبِينَ ثُمَّ انْتَبَهْتُ بِتَذْكِيرِكَ
لِى مِنْ غَفْلَتِى وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ

مِنْكَ

حِيلَتِى

الْخَاطِئِينَ

مِنْ زَلَّتِي وَنَكَصْتُ بِتَسْدِيدِكَ

عَنْ عَثْرَتِي وَقُلْتُ سُبْحَانَ رَبِّي

كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا وَأَنَّى

رَغِبَ مُعْدِمٌ إِلَى مُعْدِمٍ فَقَصَدْتُكَ

يَا إِلٰهِي بِالرَّغْبَةِ وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ

رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ وَعَلِمْتُ أَنَّ

كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي

وُجْدِكَ وَأَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُكَ

حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ وَأَنَّ كَرَمَكَ

لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ وَأَنَّ يَدَكَ

بِالْعَطَاءِ أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

وَرَجَعْتُ

يَرْغَبُ

إِلَيْكَ

الْعَطَايَا

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ
عَلَى التَّفَضُّلِ وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ
عَلَى الِاسْتِحْقَاقِ فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ
رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ
الْمَنْعَ وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ
عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لِدُعَائِي
مُجِيباً وَمِنْ نِدَائِي قَرِيباً وَلِتَضَرُّعِي
رَاحِماً وَلِصَوْتِي سَامِعاً وَلَا تَقْطَعْ
رَجَائِي عَنْكَ وَلَا تَبُتَّ سَبَبِي مِنْكَ
وَلَا تُوَجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرِهَا

يَسْتَحِقُّ

البت القطع
سببي
رجائي منك
السبب العطية

مطالبی

الی سواك وتولّنی بنجح طلبتی

وقضاء حاجتی ونیل سؤلی

قبل زوالی عن موقفی هذا بتیسیرك

لی العسیر وحسن تقدیرك لی

فی جمیع الامور وصلّ علیه وآله

صلوة دائمة نامیة لا انقطاع

لابدها ولا منتهی لامدها

واجعل ذلك عونا لی وسببا

لنجاح طلبتی انّك واسع كریم

ومن حاجتی یا رب كذا وكذا

وتذكر حاجتك ثم تسجد وتقول

علی محمد

فِي سُجُودِكَ فَضْلُكَ آنَسَنِي وَاِحْسَانُكَ
دَلَّنِي فَاَسْاَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا
اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

يَا رَحِيمُ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ

دعای خامس عشر
١٥

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اِذَا اعْتُدِيَ عَلَيْهِ اَوْ رَاَى مِنَ
الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

الانباء الاخباره

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ
اِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ وَيَا مَنْ
قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ

وَيَا مَنْ يَبْعُدُ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ

قَدْ عَلِمْتَ يَا إِلٰهِي مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ

ابْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ وَانْتَهَكَهُ

مِنِّي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ بَطَرًا فِي نِعْمَتِكَ

عِنْدَهُ وَاغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْ

ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ

وَافْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ وَاجْعَلْ

لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا

تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي وَأَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْ

انتهاكه

حجزت

بتاخرك

بتاخيرك

يُنوِيه

وَاعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي
فِي مِثْلِ حَالِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَأَعِذْنِي عَلَيْهِ عَدْوَى
حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ
شِفَاءً وَمِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَوِّضْنِي مِنْ
ظُلْمِهِ لِي عَفْوَكَ وَأَبْدِلْهُ بِسُوءِ صَنِيعِهِ
بِي رَحْمَتَكَ فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ
دُونَ سَخَطِكَ وَكُلُّ مَرْزِئَةٍ سَوَاءٌ
مَعَ مَوْجِدَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ
لِي أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

أعدنی یاری دادن مرا

الحنق الغیظ

من حنقی علیه وفاء

ما ابدل کذا بخط ش

ابدلنی

جل کف جلل

مغفرتک

لی کذا بخط ش

اَللّٰهُمَّ لَا اَشْكُو اِلىٰ اَحَدٍ سِوَاكَ
وَلَا اَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ حَاشَاكَ
فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصِلْ دُعَائِي
بِالْاِجَابَةِ وَاقْرِنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ
اَللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ مِنْ
اِنْصَافِكَ وَلَا تَفْتِنْهُ بِالْاَمْنِ مِنْ
اِنْكَارِكَ فَيُصِرَّ عَلىٰ ظُلْمِي وَيُحَاضِرَنِي
بِحَقِّي وَعَرِّفْهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا اَوْعَدْتَ
الظَّالِمِينَ وَعَرِّفْنِي مَا وَعَدْتَ
فِي (مِنْ) اِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنِي لِقَبُولِ مَا

شِكَاتِي
صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
لِاِنْكَارِكَ

قضيت

قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ

لِي وَمِنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللَّهُمَّ

وَإِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي فِي تَأْخِيرِ

الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ

ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعِ

الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

أَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ

دَائِمٍ وَأَعِذْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ

وَهَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي

مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ

عِنْدَكَ ص
نزدیک تو

مُجْتَمَعِ الْحُكْمِ

الرَّغَةِ

الهلع اشد الحرص والجزع

وَاَعْدَدْتَ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ — مِنْ جَزْيِكَ

وَاجْعَلْ ذٰلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي بِمَا

قَضَيْتَ وَثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

الْعَظِيمِ وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ — دعاء السادس عشر ١٦

اِذَا مَرِضَ اَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ اَوْ بَلِيَّةٌ

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ اَزَلْ اَتَصَرَّفُ

فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى مَا اَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

فَمَا اَدْرِي يَا اِلٰهِي اَيُّ الْحَالَيْنِ اَحَقُّ — الْحَالَتَيْنِ

بسطتني فيها

بالشكر لك وأي الوقتين أولى
بالحمد لك أوقت الصحة التي
هنأتني فيها طيبات رزقك
ونشطتني بها لابتغاء مرضاتك
وفضلك وقويتني معها على ما
وفقتني له من طاعتك أم وقت
العلة التي محصتني بها والنعم
التي أتحفتني بها تخفيفا لما ثقل
به على ظهري من الخطيئات و
تطهيرا لما انغمست فيه من السيئات
وتنبيها لتناول التوبة وتذكيرا

ثقلته على

لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِتَقْدِيمِ النِّعْمَةِ وَفِي

خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبَانِ

مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ

فِيهِ وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ وَلَا جَارِحَةٌ

تَكَلَّفَتْهُ بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ

وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ اللَّهُمَّ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَبِّبْ إِلَيَّ

مَا رَضِيتَ لِي وَيَسِّرْ لِي مَا أَحْلَلْتَ

بِي وَطَهِّرْنِي مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ

وَامْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ وَأَوْجِدْنِي

حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَأَذِقْنِي بَرْدَ

عَلَيَّ

السلامة واجعل مخرجي عن علتي
إلى عفوك ومتحولي عن صرعتي
إلى تجاوزك وخلاصي من كربي
إلى روحك وسلامتي من هذه
الشدة إلى فرجك إنك المتفضل
بالإحسان المتطول بالامتنان
الوهاب الكريم ذو الجلال والإكرام

وكان من دعائه عليه السلام
إذا استقال من ذنوبه أو تضرع
في طلب العفو عن عيوبه

اللهم يا من برحمته يستغيث

من خ

تجاوزك خ

فرجك س

الوهاب الكريم ... وارث النعيم ... نسخة الشهيد

الاقالة المراجعة
بازگشتن

المذنبون ويا من الى ذكر احسانه
يفزع المضطرون ويا من لخيفته
ينتحب الخاطؤون يا انس كل
مستوحش غريب ويا فرج كل
مكروب كئيب ويا غوث كل
مخذول فريد ويا عضد كل محتاج
طريد انت الذى وسعت كل شىء
رحمة وعلما وانت الذى جعلت
لكل مخلوق فى نعمك سهما
وانت الذى عفوه اعلا من عقابه
وانت الذى تسعى رحمته امام

الخطاؤون

الانتحاب رفع الصوت بالبكاء

الكآبة سوء الحال والانكسار من الحزن

نعمتك

غَضَبِهِ وَاَنْتَ الَّذِی عَطَاؤُهُ اَکْثَرُ
مِنْ مَنْعِهِ وَاَنْتَ الَّذِی اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ
کُلُّهُمْ فِی وُسْعِهِ وَاَنْتَ الَّذِی
لَا یَرْغَبُ فِی جَزَاءِ مَنْ اَعْطَاهُ وَاَنْتَ
الَّذِی لَا یُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ
وَاَنَا یَا اِلٰهِی عَبْدُکَ الَّذِی اَمَرْتَهُ
بِالدُّعَاءِ فَقَالَ لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ
هَا اَنَذَا یَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَیْنَ یَدَیْکَ
اَنَا الَّذِی اَوْقَرَتِ الْخَطَایَا ظَهْرَهُ
وَاَنَا الَّذِی اَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمْرَهُ
وَاَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ وَلَمْ یَکُنْ

لَا یَفْرُطُ

اَثْقَلَتْ

اَفْنَتْ

اهلاً منه لذلك فهل انت یا الهی
راحم من دعاك فابلغ فی الدعاء
ام انت غافر لمن بکاك فاسرع
فی البکاء ام انت متجاوز عمّن
عفّر لك وجهه تذللاً ام انت
مغن من شکا الیك فقره توکلاً
الهی لا تخیّب من لا یجد معطیاً
غیرك و لا تخذل من لا یستغنی
عنك باحد دونك الهی فصلّ علی
محمد و آله و لا تعرض عنّی وقد
اقبلت الیك و لا تحرمنی وقد رغبت

لذلك
فابلغ
فاسرع
بکا الیك
عمّن
لا یخیّب
تخذل
یستغنی باحد
قبلت علیك

اِلَيْكَ وَلَا تَجْبَهْنِى بِالرَّدِّ وَقَدِ
انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ اَنْتَ الَّذِى
وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِى وَاَنْتَ الَّذِى
سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّى
قَدْ تَرَى يَا اِلٰهِى فَيْضَ دَمْعِى مِنْ خِيفَتِكَ
وَوَجِيبَ قَلْبِى مِنْ خَشْيَتِكَ وَ
انْتِفَاضَ جَوَارِحِى مِنْ هَيْبَتِكَ كُلُّ
ذٰلِكَ حَيَاءً مِنِّى بِسُوءِ عَمَلِى وَلِذَ[لِكَ]
خَمَدَ صَوْتِى عَنِ الْجَارِ اِلَيْكَ وَكَلَّ
لِسَانِى عَنْ مُنَاجَاتِكَ يَا اِلٰهِى فَلَكَ الْحَمْدُ

بِالْعَفُوِّ

دُمُوعِى
اشكهاى مرا

وجب القلب وجيبا
اى اضطرب

انتفاض
افشانده شدن

لِسُوءِ

الجؤارش

الجوار مثل الخوار يقال جار الرجل بجار اى صاح وقرأ بعضهم عجلا جسدا له جوار حكى الاخفش الرجل الى الله اى تضرع بالدعاء

دوستى

فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ
پس بسا از عیبها که پوشیده تو آن را بر من
فَلَمْ تَفْضَحْنِي وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ
ونکردی مرا رسوا و بسا از گناهان که
غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تُشْهِرْنِي وَكَمْ
پوشیدی تو آن را بر من ونکردی مرا شهره وبسا
مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي
از آلودگی که نزدیک شدم بدان پس ندریدی از من
سِتْرَهَا وَلَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ
پرده آن را ونکرده [illegible] در گردن من کرده
شَنَارِهَا وَلَمْ تُبْدِ سَوْآتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ
ننگ عیبها [illegible] برای کسی که میجوید
مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي وَحَسَدَةِ نِعْمَتِكَ
عیبهای مرا از همسایگان من وحاسدان نعمت تو
عِنْدِي ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ
نزدیک من پس بازنداشت مرا [illegible]
جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهِدْتَ مِنِّي
[illegible] بدتر آنچه عهد کرده تو از من
فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ
پس کیست نادانتر از من ای خدای من براه خویش
وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ وَمَنْ أَبْعَدُ
وکیست غافلتر از من از بهره خویش وکیست دورتر

الشنار العيب والعار وقيل العيب الذي فيه عار ه
نهايه

سوآتها جمع السوأة
كار بد وعورة وآنچه ذكرش مستهجن است

مِنّي مِنِ اسْتِصْلاحِ نَفْسِهِ حِينَ أُنْفِقُ

مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا

نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَمَنْ

أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ وَأَشَدُّ إِقْدَامًا

عَلَى السُّوءِ مِنّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ

وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ

عَلَى غَيْرِ عَمًى مِنّي فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ وَلَا

نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ وَأَنَا حِينَئِذٍ

مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ

وَمُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ سُبْحَانَكَ

مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَ

غور كل شي قعره يقال فلان بعيد الغور ص

فاتبع س

أُعَدِّدُهُ مِن مَكْتُومِ أَمْرِي وَأَعْجَبُ
مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّي وَإِبْطَاؤُكَ
عَنْ مُعَاجَلَتِي وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي
عَلَيْكَ بَلْ تَأَنِّيًا مِنْكَ لِي وَتَفَضُّلًا
مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ
الْمُسْخِطَةِ وَأُقْلِعَ عَنْ سَيِّئَاتِي
الْمُخْلِقَةِ وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ
إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ
ذُنُوبًا وَأَقْبَحُ آثَارًا وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا
وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا وَأَضْعَفُ
عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيَقُّظًا وَأَقَلُّ لِوَعِيدِكَ

مباهيا

انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا مِنْ اَنْ اُحْصِيَ

لَكَ عُيُوبِي اَوْ اَقْدِرَ عَلٰى ذِكْرِ

ذُنُوبِي وَاِنَّمَا اُوَبِّخُ بِهٰذَا نَفْسِي

طَمَعًا فِي رَاْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ

اَمْرِ الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءً لِرَحْمَتِكَ

الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي قَدْ اَرَقَّتْهَا

الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ وَهٰذَا ظَهْرِي

قَدْ اَثْقَلَتْهُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ يَا اِلٰهِي

الْخَطَّائِينَ

عَنِّي

لو بكيت اليك حتى تسقط اشفار
عيني وانتحبت حتى ينقطع صوتي
وقمت لك حتى تتنشر قدماي
وركعت لك حتى ينخلع صلبي
وسجدت لك حتى تتفقأ حدقتاي
واكلت تراب الارض طول
عمري وشربت ماء الرماد
آخر دهري وذكرتك في
خلال ذلك حتى يكل لساني ثم لم
ارفع طرفي الى آفاق السماء
استحياء منك ما استوجبت بذلك

تتنشر

محو سيئة واحدة من سيئاتي

وان كنت تغفر لي حين

استوجب مغفرتك وتعفو عني

حين استحق عفوك فان ذلك

غير واجب لي باستحقاق ولا انا

اهل له باستيجاب اذ كان

جزائي منك في اول ما عصيتك

النار فان تعذبني فانت غير

ظالم لي الهي فاذ قد تغمدتني بسترك

فلم تفضحني وتانيتني بكرمك

فلم تعاجلني وحلمت عني

بتفضلك فلم تغير نعمتك

علي ولم تكدر معروفك

عندي فارحم طول تضرعي

وشدة مسكنتي وسوء موقفي

اللهم صل على محمد وآله وقني

من المعاصي واستعملني بالطاعة

وارزقني حسن الانابة وطهرني

بالتوبة وايدني بالعصمة

واستصلحني بالعافية واذقني

حلاوة المغفرة واجعلني

طليق عفوك وعتيق رحمتك

٥٨

وَاكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ وَبَشِّرْ

بِذٰلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ

بُشْرٰى اَعْرِفُهَا وَعَرِّفْنِي فِيهِ

عَلَامَةً اَتَبَيَّنُهَا اِنَّ ذٰلِكَ لَا

يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ وَلَا

يَتَكَأَّدُكَ فِي قُدْرَتِكَ اِنَّكَ

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ اِذَا ذَكَرَ

الشَّيْطَانَ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ

عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا

نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ني

فقد وجلت ان
ولا يتصعدك في اناتك
ولا يؤدك في جزيل هباتك
التي انطقت عليها آيات آياتك
تفعل ما تشاء وتحكم ما
تريد انك على كل شيء قدير
وصلى الله على محمد واله الطاهرين

وَكَيْدِهِ وَمَكَائِدِهِ وَمِنَ الثِّقَةِ

بِأَمَانِيِّهِ وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُورِهِ وَ

مَصَائِدِهِ وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي

إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ وَامْتِهَانِنَا

بِمَعْصِيَتِكَ أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا

مَا حَسَّنَ لَنَا أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا

مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا اللّٰهُمَّ اخْسَأْهُ

عَنَّا بِعِبَادَتِكَ وَاكْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا

فِي مَحَبَّتِكَ وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ

سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ وَرَدْمًا مُصْمَتًا

لَا يَفْتُقُهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

الاماني المضلة والكذب ه

وَأَنْ يَحْسُنَ س

كُرِّهَ ه س

كُرِّهَ س

دَأَبَ في عمله جدّ وتعب دأبا ودؤوبا وأدأبته أنا و الدائبان الليل والنهار

واشغلنا

ن ٦

واشغله عنا ببعض اعدائك و

اعصمنا منه بحسن رعايتك

واكفنا ختره وولنا ظهره

واقطع عنا اثره اللهم صل على

محمد وآله وامتعنا من الهدى

بمثل ضلالته وزودنا من التقوى

ضد غوايته واسلك بنا من

التقى خلاف سبيله من الردى

اللهم لا تجعل له في قلوبنا مدخلا

ولا توطنن له فيما لدينا منزلا

اللهم وما سول لنا من باطل

ازعائك ن

وفيها ختره س
خطره ن

ومتعنا ن

ولا توطن ن

فَعَرِّفْنَاهُ وَاِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ
وَبَصِّرْنَا مَا نُكَائِدُهُ بِهِ وَاَلْهِمْنَا
مَا نُعِدُّهُ لَهُ وَاَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ
الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ اِلَيْهِ وَاَحْسِنْ
بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ
وَاَشْرِبْ قُلُوبَنَا اِنْكَارَ عَمَلِهِ
وَالْطُفْ لَنَا فِي نَقْضِ حِيَلِهِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ
عَنَّا وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا وَادْرَاْهُ
عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَاُمَّهَاتِنَا

وَاَوْلَادِنَا وَاَهَالِينَا وَذَوِي اَرْحَامِنَا

وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي حِرْزٍ حَارِزٍ وَحِصْنٍ

حَافِظٍ وَكَهْفٍ مَانِعٍ وَاَلْبِسْهُمْ

مِنْهُ جُنَنًا وَاقِيَةً وَاَعْطِهِمْ

عَلَيْهِ اَسْلِحَةً مَاضِيَةً اَللّٰهُمَّ

وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ

بِالرُّبُوبِيَّةِ وَاَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

وَعَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ

الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ اَللّٰهُمَّ احْلُلْ

مصباح الشريعة

مَا عَقَدَ وَافْتُقْ مَا رَتَقَ وَافْسَخْ

مَا دَبَّرَ وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ وَانْقُضْ

مَا أَبْرَمَ اللّٰهُمَّ وَاهْزِمْ جُنْدَهُ

وَأَبْطِلْ كَيْدَهُ وَاهْدِمْ كَهْفَهُ

وَأَرْغِمْ أَنْفَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا

فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ وَاعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ

أَوْلِيَائِهِ لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا نَأْمُرُ

بِمُنَاوَأَتِهِ مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا وَنَعِظُ

عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ

النبيين

النبيين وسيد المرسلين وعلى
اهل بيته الطيبين الطاهرين
واعذنا واهالينا واخواننا
وجميع المؤمنين والمؤمنات
مما استعذنا منه واجرنا مما
استجرنا بك من خوفه واسمع
لنا ما دعونا به واعطنا ما اغفلنا
واحفظ لنا ما نسيناه وصيرنا
بذلك فى درجات الصالحين
ومراتب المؤمنين
آمين رب العالمين

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ أَوْ
عُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ
وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ فَلَا
تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ
لِي مِنْ عَافِيَتِكَ فَأَكُونَ قَدْ
شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَسَعِدَ غَيْرِي
بِمَا كَرِهْتُ وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ
فِيهِ أَوْ بِتُّ فِيهِ مِنْ هٰذِهِ الْعَافِيَةِ
بَيْنَ يَدَيْ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ وَوِزْرٍ

لا ينفع فقدّم لي ما أخّرت وأخّر
عنّي ما قدّمت فغير كثير ما
عاقبته الفناء وغير قليل
ما عاقبته البقاء وصلّ على محمد وآله

وكان من دعائه عليه السلام
عند الاستسقاء بعد الجدب

اللهم اسقنا الغيث وانشر
علينا رحمتك بغيثك المغدق
من السحاب المنساق لنبات أرضك
المونق في جميع الآفاق وامنن
على عبادك بإيناع الثمرة

عافيته

غايته

إلى

وَاَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَاَشْهِدْ
مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ
بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ دَائِمٍ غُزْرُهُ وَاسِعٍ
دِرَرُهُ وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ تُحْيِي بِهِ
مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ
وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ وَتُوَسِّعُ بِهِ
فِي الْاَقْوَاتِ سَحَابًا مُتَرَاكِمًا هَنِيئًا
مَرِيئًا طَبَقًا مُجَلْجِلًا غَيْرَ مُلِثٍّ
وَدْقُهُ وَلَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ اَللّٰهُمَّ
اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيعًا مُمْرِعًا
عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا تَرُدُّ بِهِ

دَرَّهُ: دِرَرُهُ

طَيِّبًا مُجَلْجِلًا

اللث دوام المطر

عَرِيضًا اى طريًّا

النَّهِيضَ وَتَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ اَللّٰهُمَّ
نبات اِستاده را و بازبندی بآن اشکسته را بارخدایا
اسْقِنَا سَقْيًا تُسِيلُ مِنْهُ الظِّرَابَ
آب ده ما را آب دادنی که برانی از آن سنگهای ریزه را
وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ وَتُفَجِّرُ بِهِ
و پر کنی از آن گردگرد چاهها . و روان کنی بآن
الْأَنْهَارَ وَتُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ
جویها را . و برویانی بدان . درختها را
وَتُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ
و ارزان کنی بآن نرخها را در همه
الْأَمْصَارِ وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ
شهرها . و زنده سازی بآن حیوانات را و
الْخَلْقَ وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ
خلق را و تمام سازی برای ما بآن خوشیهای
الرِّزْقِ وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ وَتُدِرُّ
روزی . و برویانی برای ما بآن کشت را و شیربار کنی
بِهِ الضَّرْعَ وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى
بآن پستانها . و بیفزایی ما را بدان روزی به
قُوَّتِنَا اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا
زور ما . بارخدایا مگردان سایه او را برما
سَمُومًا وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا
باد گرم . و مگردان خوشی او را برما عذاب

الضِّرَابَ خ

وَتَنْبُتُ نخ

تُنْعِشُ خ

لَنَا خ

ولا تجعل صوبه علينا رجوما ولا
تجعل ماءه علينا اجاجا اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقنا
من بركات السموات والارض
انك على كل شيء قدير
وكان من دعائه عليه السلام
في مكارم الاخلاق ومرضي الافعال
اللهم صل على محمد وآله وبلغ
بايماني اكمل الايمان واجعل
يقيني افضل اليقين وانته
بنيتي الى احسن النيات وبعملي

ضوءه

وآله

وابلغ

إلى أحسن الأعمال اللهم وفر
بلطفك نيتي وصحح بما عندك
يقيني واستصلح بقدرتك ما فسد
مني اللهم صل على محمد وآله
واكفني ما يشغلني الاهتمام
به واستعملني بما تسألني غدا
عنه واستفرغ أيامي فيما خلقتني
له وأغنني وأوسع علي في رزقك
ولا تفتني بالنظر وأعزني ولا
تبتليني بالكبر وعبدني لك
ولا تفسد عبادتي بالعجب وأجر

وفقه
وقو
ثقتي
فيما لما
رزقي
بالبطر
بالنظر
تبتلني
تبتليني

لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمْحَقْهُ

بِالْمَنِّ وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ

وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَرْفَعْنِي

فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ

نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا

ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي زِلَّةً بَاطِنَةً

عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَتِّعْنِي بِهُدًى

صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ وَطَرِيقَةِ

حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا وَنِيَّةِ رُشْدٍ

لَا اَشُكُّ فِيهَا وَعَمِّرْنِي مَاكَانَ

عُمْرِي بِذْلَةً فِي طَاعَتِكَ فَاِذَا كَانَ

عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي

اِلَيْكَ قَبْلَ اَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ اِلَيَّ

اَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ

لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي اِلَّا

اَصْلَحْتَهَا وَلَا عَائِبَةً اُؤَنَّبُ بِهَا

اِلَّا حَسَّنْتَهَا وَلَا اُكْرُومَةً

فِيَّ نَاقِصَةً اِلَّا اَتْمَمْتَهَا اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْدِلْنِي

مِنْ بِغْضَةِ اَهْلِ الشَّنَآنِ الْمَحَبَّةَ

انفتل

في

وَمِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ وَمِنْ
ظِنَّةِ اَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَةَ وَمِنْ
عَدَاوَةِ الْاَدْنَيْنَ الْوِلَايَةَ وَمِنْ
عُقُوقِ ذَوِي الْاَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ وَمِنْ
خِذْلَانِ الْاَقْرَبِيْنَ النُّصْرَةَ وَمِنْ
حُبِّ الْمُدَارِيْنَ تَصْحِيْحَ الْمِقَةِ
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِيْنَ كَرَمَ
الْعِشْرَةِ وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ
الظَّالِمِيْنَ حَلَاوَةَ الْاَمَنَةِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ وَاجْعَلْ لِيْ يَدًا
عَلٰى مَنْ ظَلَمَنِيْ وَلِسَانًا عَلٰى مَنْ خَاصَمَنِيْ

خُبُّ

الثِّقَةُ

الْعَشِيْرَةُ

وظفرا

وَظَفَراً بِمَنْ عَانَدَنِي وَهَبْ لِي مَكْراً
عَلَى مَنْ كَايَدَنِي وَقُدْرَةً عَلَى
مَنِ اضْطَهَدَنِي وَتَكْذِيباً لِمَنْ
قَصَبَنِي وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي
وَوَفِّقْنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي وَ
مُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدِّدْنِي
لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ
وَأَجْزِيَ مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَأُثِيبَ
مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَأُكَافِيَ مَنْ
قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ وَأُ[illegible] مَنِ اغْتَابَنِي

المضطهد
ای مقهور مضطر
قصمنی

اُصیب

إلى حسن الذكر وأن أشكر
الحسنة وأغضي عن السيئة اللهم
صل على محمد وآله وحلني بحلية
الصالحين وألبسني زينة المتقين
في بسط العدل وكظم الغيظ
وإطفاء النائرة وضم أهل الفرقة
وإصلاح ذات البين وإفشاء
العارفة وستر العائبة ولين
العريكة وخفض الجناح
وحسن السيرة وسكون الريح
وطيب المخالقة والسبق إلى الفضيلة

وزيّني بزينة

العفو

عداوة

عبارة عن الحلم وكظم الغيظ من الخلق

وإيثار

وَ اِيثَارِ التَّفَضُّلِ وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ

وَ الْاِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ وَ الْقَوْلِ

بِالْحَقِّ وَ اِنْ عَزَّ وَ اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ

وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي وَ

اِسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ اِنْ قَلَّ مِنْ فِعْلِي

وَ اَكْمِلْ ذٰلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ

وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ وَ رَفْضِ اَهْلِ الْبِدَعِ

وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّاْيِ الْمُخْتَرَعِ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اجْعَلْ اَوْسَعَ

رِزْقِكَ عَلَيَّ اِذَا كَبِرْتُ وَ اَقْوٰى

قُوَّتِكَ فِيَّ اِذَا نَصِبْتُ لَا تَبْتَلِيَنِّي

التَّقْتِيرِ

وَ اِنْ نَقَصَ وَ الصَّمْتِ عَنِ الْبَاطِلِ وَ اِنْ نَفَعَ

قَوْلِي وَ

بِهِمَا نَصَبْتُ

اِذَا قَنِيتُ

بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا بِالْعَمَى عَنْ

سَبِيلِكَ وَلَا بِالتَّعَرُّضِ بِخِلَافِ سُنَّتِكَ

مَحَبَّتِكَ وَلَا مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ

عَنْكَ وَلَا مُفَارَقَةِ مَنِ اجْتَمَعَ

اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي اَصُولُ

بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَاَسْاَلُكَ

عِنْدَ الْحَاجَةِ وَاَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ

عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ وَلَا تَفْتِنِّي

بِالْاِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ اِذَا اضْطُرِرْتُ

وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ اِذَا

افْتَقَرْتُ وَلَا بِالتَّضَرُّعِ اِلَى مَنْ دُونَكَ

اذا

إِذَا رُهِبْتُ فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خُذْلانَكَ

وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي

الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي

وَالتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ ذِكْراً لِعَظَمَتِكَ

وَتَفَكُّراً فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيراً

عَلَى عَدُوِّكَ وَمَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي

مِنْ لَفْظَةِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمِ

عِرْضٍ أَوْ شَهَادَةِ بَاطِلٍ أَوِ اغْتِيَابِ

مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ

وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ

دهيت

تدميرا

انتهاك

وَإِغْرَاقاً فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَذَهَاباً
فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْراً لِنِعْمَتِكَ
وَاعْتِرَافاً بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءً
لِمِنَنِكَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ — لِمَنِّكَ خ
وَلَا أُظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ
لِلدَّفْعِ عَنِّي وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ
الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي وَلَا
أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمْكَنَتْكَ هِدَايَتِي — تْ
وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُسْعِي — أُقْتِرَنَّ
وَلَا أَطْغَيَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُجْدِي — أُضِيفَنَّ
اَللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ

والی

تِجَارَتِكَ تَجَاوُزِكَ

وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ وَإِلَى تَجَاوُزِكَ
اِشْتَقْتُ وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ وَلَيْسَ
عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ
وَلَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ
وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا
فَضْلُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ
عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى
وَأَلْهِمْنِي التَّقْوَى وَوَفِّقْنِي لِلَّتِي
هِيَ أَزْكَى وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى
اَللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِيَ الطَّرِيقَةَ الْمُثْلَى
وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا

اللهم صل على محمد وآله ومتعني
بالاقتصاد واجعلني من اهل
السداد ومن ادلة الرشاد ومن صالحي
العباد وارزقني فوز المعاد وسلامة
المرصاد اللهم خذ لنفسك من
نفسي ما يخلصها وابق لنفسي من
نفسي ما يصلحها فان نفسي هالكة
او تعصمها اللهم انت عدتي
ان حزنت وانت منتجعي ان
حرمت وبك استغاثتي ان كرثت
وعندك مما فات خلف ولما فسد

لنفسك

اليك

كربت

صلاح

٧٠

صَلاحٌ وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا

فَأَمِنِّي قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ

وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَةِ وَقَبْلَ الضَّلَالِ

بِالرَّشَادِ وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ

الْعِبَادِ وَهَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ

وَامْنَحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادْرَأْ عَنِّي

بِلُطْفِكَ وَاغْذُنِي بِنِعْمَتِكَ وَأَصْلِحْنِي

بِكَرَمِكَ وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ

وَأَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ

وَوَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَيَّ الْأُمُورُ

الْإِرْتِيَادِ

وَاحْلُلْنِي بُحْبُوحَةَ دَارِكَ

وَاحْلِلْنِي فِي دَارِكَ

إِذَا أَشْكَلَتْ

لِاَهْدَاهَا وَاِذَا تَشَابَهَتِ الْاَعْمَالُ
مرا به راست ترین آن و چون مشتبه گردد کردارها

لِاَزْكَاهَا وَاِذَا تَنَاضَلَتِ الْمِلَلُ
به پاکترین آن و چون مخالف [illegible] دینها

لِاَرْضَاهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
به پسندیده ترین آن بار خدایا درود کن بر محمد

وَآلِهِ وَتَوِّجْنِي بِالْكِفَايَةِ وَسِمْنِي
[illegible]

حُسْنَ الْوِلَايَةِ وَهَبْ لِي صِدْقَ
به نیکوئی ولایت [illegible] مرا راستی

الْهِدَايَةِ وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ
راه راست [illegible]

وَامْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ وَلَا تَجْعَلْ
[illegible]

عَيْشِي كَدًّا كَدًّا وَلَا تَرُدَّ
عیش مرا دشوار دشوار و رد مکن

دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا فَاِنِّي لَا اَجْعَلُ
دعای مرا بر من رد کردنی پس به درستی نمیگردانم

لَكَ ضِدًّا وَلَا اَدْعُو مَعَكَ نِدًّا
مر ترا [illegible] و نمی خوانم با تو انبازی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي
بار خدایا درود کن بر محمد و آل او و باز دار مرا

وَتَوَخَّنِي
وَتَوَحَّدْ لِي

وَلَا تَفْتَنِّي
اَللّٰهُمَّ اَقْنِنِي بِالسَّعَةِ
یا رب تو نگهدار مرا [illegible]

دُعَائِي

اَدْعُوا
بخطه

مِنَ السَّرَفِ وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ
وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ
وَاَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ
فِيمَا اُنْفِقُ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ الْاِكْتِسَابِ
وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ فَلَا
اُشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَلَا
اَحْتَمِلَ اِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ اَللّٰهُمَّ
فَاَطْلِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا اَطْلُبُ
وَاَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا اَرْهَبُ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصُنْ وَجْهِي

مِلْكِي مَالِي

اَشْغَلَ

اَحْمِلَ
الْمَكْسَبِ
فَاَطْلِبْنِي

تمام

بالیسار ولا تبتذل جاهی بالاقتار

فاسترزق اهل رزقک

واستعطی شرار خلقک فافتتن

بحمد من اعطانی وابتلی بذم

من منعنی وانت من دونهم

ولی الاعطاء والمنع اللهم صل

علی محمد واله وارزقنی صحة فی

عبادة وفراغا فی زهادة وعلما

فی استعمال وورعا فی اجمال

اللهم اختم بعفوک اجلی وحقق

فی رجاء رحمتک املی وسهل

تبذل

فافتتن

ابتلی

الی بلوغ رضاک سبلی وحسن فی
رسیدن بخشنودی خود ... مرا و نیکو کن در
جمیع احوالی عملی اللهم صل
همه احوال من کردار مرا بار خدایا درود ده
علی محمد وآله ونبهنی لذکرک
بر محمد و آل وی و بیدار کن مرا برای یاد کردن خود
فی اوقات الغفلة واستعملنی
در وقتهای غفلت
بطاعتک فی ایام المهلة وانهج
بطاعت خود
لی الی محبتک سبیلا سهلة اکمل
سوی دوستی خود
لی بها خیر الدنیا والآخرة
اللهم وصل علی محمد وآله کافضل
بار خدایا درود ده بر محمد و آل وی
ما صلیت علی احد من خلقک قبله
وانت مصل علی احد بعده و
آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
بده ما را در دنیا نیکویی

اجمع

حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَأَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

تنهای ضعیف

وَوَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ أَفْرَدَتْنِي

تنها کرده است مرا

الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِي وَضَعُفْتُ

عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي وَأَشْرَفْتُ

عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ

نیست ساکن کننده

لِرَوْعَتِي وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِنْكَ وَأَنْتَ

أَخَفْتَنِي وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ

أَفْرَدْتَنِي وَمَنْ يُقَوِّينِي وَأَنْتَ

نهایة في نسخة الشيخ ... وفنا
... الدين ابا الصلاح الحلبي آمين
... نسخة الكفعمي آمين آمين ...
... على كل شيء قدير وهو عليك ...
... يا اوسع الواهبين واكرم ...
... فصل على محمد وآله ...
... اجمعين وعلى جميع المرسلين
... الطاهرين ... من المحسنين
... ذو رحمة ...

يُؤْمِنُنِي

أَضْعَفْتَنِي لَا يُجِيرُ يَا إِلٰهِي إِلَّا رَبٌّ
ضعیف کرده مرا زنهار ندهد ای خدای من مگر پروردگار
عَلَى مَرْبُوبٍ وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ
بر پرورده و ایمن نکند مگر غالب
عَلَى مَغْلُوبٍ وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ
بر مغلوب و یاری ندهد مگر جوینده
عَلَى مَطْلُوبٍ وَبِيَدِكَ يَا إِلٰهِي
بر جسته و بدست تست ای خدای من
جَمِيعُ ذٰلِكَ السَّبَبِ وَإِلَيْكَ الْمَفَرُّ
همه این سبب و بسوی تست جای گریز
وَالْمَهْرَبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْ
و گریزگاه [illegible]
هَرَبِي وَأَنْجِحْ مَطْلَبِي اللّٰهُمَّ إِنَّكَ
گریختن مرا و روا کن [illegible] مرا [illegible]
إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ
که اگر بگردانی تو از من روی کریم خود را
أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ
یا باز داری از من فضل بزرگ خود را یا
حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ
حرام کنی بر من روزی خود یا باز بری
عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ
از من عطای خود نیابم راه بسوی چیزی

وَالْمَهْرَبُ

مِنْ اَمَلِي غَيْرَكَ وَ لَمْ اَقْدِرْ عَلَى مَا
عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ فَاِنِّي عَبْدُكَ
وَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ
لَا اَمْرَ لِي مَعَ اَمْرِكَ مَاضٍ فِيَّ
حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ وَلَا قُوَّةَ
لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ وَ لَا
اَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ وَ لَا
اَسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا اَبْلُغُ رِضَاكَ
وَلَا اَنَالُ مَا عِنْدَكَ اِلَّا بِطَاعَتِكَ
وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ اِلٰهِي اَصْبَحْتُ وَ
اَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ لَا اَمْلِكُ

فَاِنَّنِي

سِوَاكَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي

الدخور الصغار والذل

لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا اِلَّا بِكَ اَشْهَدُ

مر نفس خود را سود و نه زیانی مگر بتو گواهی میدهم

بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَاَعْتَرِفُ بِضَعْفِ

بآن بر تن خویش و معترفم من بضعف

قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَاَنْجِزْ لِي

قوت خود و کمی حیلت خود پس بجا آور مرا

مَا وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا اٰتَيْتَنِي

آنچه وعده دادی و تمام کن مرا آنچه دادی

فَاِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمَهِينُ

الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي

نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا اَوْلَيْتَنِي

فراموش کننده مر یاد کردن ترا در آنچه دادی مرا

وَلَا غَافِلًا لِاِحْسَانِكَ فِيمَا اَبْلَيْتَنِي

وَلَا اٰيِسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَاِنْ اَبْطَاَتْ

الذَّلِيلُ س

اَبْتَلَيْتَنِي س

عَنِّي فِي سَرَّآءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَّآءَ

أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ

بَلَاءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءَ أَوْ جِدَةٍ

أَوْ لَأْوَاءَ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنًى اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَائِي

عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ

فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا

آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا

مَنَعْتَنِي فِيهَا وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ

وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ

مِنِّي وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ

غِنَاءٍ

وَعَهْدِي

حَالَتَيَّ سَوَاءً

بِتَقْوَاكَ

مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لَا اُحِبَّ شَيْئاً

بر من تا نخواهم دوست چیزی را

مِنْ سُخْطِكَ وَلَا اَسْخَطَ شَيْئاً مِنْ

از خشم تو و نه دشمن دارم چیزی را از

رِضَاكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رضای تو بار خدایا درود ده بر محمد و آل او

وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَاشْغَلْهُ

بِذِكْرِكَ وَانْعَشْهُ بِخَوْفِكَ

بیاد کردن خود

وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ

اِلَيْكَ وَاَمِلْهُ اِلَى طَاعَتِكَ وَاَجْرِ

بسوی تو

بِهِ فِي اَحَبِّ السُّبُلِ اِلَيْكَ وَذَلِّلْهُ

او را در دوست‌ترین راههای بسوی تو خود و خوار کن او را

بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ اَيَّامَ حَيَاتِي

برغبت کردن در آن نزدیک خود روزگار زندگانی مرا

كُلِّهَا وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا

از همه آن و بگردان پرهیزگاری خود از دنیا

زَادِي وَاِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي وَفِي

زاد مرا و بسوی رحمت خود شدن مرا و در

نعشه الله رفعه

واجریه

مَرْضَاتِكَ مُدْخَلِي وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ

مَثْوَايَ وَهَبْ لِي قُوَّةً اَحْتَمِلُ بِهَا

جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَاجْعَلْ فِرَارِي اِلَيْكَ

وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَاَلْبِسْ قَلْبِي

الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَهَبْ

لِيَ الْاُنْسَ بِكَ وَبِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ

طَاعَتِكَ وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ

عَلَيَّ مِنَّةً وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

وَلَا بِي اِلَيْهِمْ حَاجَةً بَلِ اجْعَلْ سُكُونَ

قَلْبِي وَاُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي

وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ

طَاعَتِكَ وَاعْمَلْ جَمِيعَ

نِعْمَةً

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي
لَهُمْ قَرِيْبًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيْرًا
وَامْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ اِلَيْكَ وَبِالْعَمَلِ
لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَذٰلِكَ عَلَيْكَ يَسِيْرٌ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عِنْدَ الشِّدَّةِ وَالْجَهْدِ وَتَعَسُّرِ الْاُمُوْرِ

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي
مَا اَنْتَ اَمْلَكُ بِهِ مِنِّي وَقُدْرَتُكَ
عَلَيْهِ وَعَلَيَّ اَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي
فَاَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي

بِالشَّوْقِ
بآرزو

وَخُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي
فِي عَافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي
بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا
قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ
رِزْقِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ
بَلْ تَفَرَّدْ بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي
وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ
أُمُورِي فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى
نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أُقِمْ مَا فِيهِ
مَصْلَحَتُهَا وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى
خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي

رِضیٰ
رِزْقَكَ
أُقِمْ بِمَا
إِلَى النَّاسِ

قراباتي

الى قرابتي حرموني وان اعطوا
اعطوا قليلا نكدا ومنوا علي
طويلا وذموا كثيرا فبفضلك
اللهم فاغنني وبعظمتك فانعشني
وبسعتك فابسط يدي وبما عندك
فاكفني اللهم صل على محمد
واله وخلصني من الحسد واحصرني
عن الذنوب وورعني عن المحارم
ولا تجرئني على المعاصي واجعل
هواي عندك ورضاي فيما يرد
علي منك وبارك لي فيما رزقتني

وبعطيتك

الحساب

فيما

وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي فِيمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ
وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَاتِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا
مَسْتُورًا مَمْنُوعًا مُعَاذًا مُجَارًا اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي كُلَّ
مَا اَلْزَمْتَنِيهِ وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ
فِي وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ اَوْ لِخَلْقٍ
مِنْ خَلْقِكَ وَاِنْ ضَعُفَ عَنْ ذٰلِكَ
بَدَنِي وَوَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَنَلْهُ
مَقْدُرَتِي وَلَمْ يَسَعْهُ مَالِي وَلَا ذَاتُ
يَدِي ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيتُهُ هُوَ
يَا رَبِّ مِمَّا قَدْ اَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَاَغْفَلْتُهُ

وهو يا رب فيما

٧٦

اَنَا مِنْ نَفْسِي فَاَدِّهْ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ
من از تن خود بس بگذار آنرا از من از بسیاری

عَطِيَّتِكَ وَكَثِيرِ مَا عِنْدَكَ
عطیه خود و بسیاری آنچه نزد تست

فَاِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ حَتَّى لَا يَبْقَى
بس بدرستی که تو بسیار عطای تا نماند

عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ اَنْ تُقَاصَّنِي
بر من چیزی از و میخواهی که اگر قصاص کنی

بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي اَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ
بدان از نیکوییهای من یا مضاعف کنی بآن از

سَيِّئَاتِي يَوْمَ اَلْقَاكَ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ
بدیهای من از روز که بینم ترا یا رب بار خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ
درود ده بر محمد و آل او و روزی کن مرا رغبت

فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاٰخِرَتِي حَتَّى اَعْرِفَ صِدْقَ
در عمل مر ترا بسوی آخرت من تا بشناسم راستی

ذٰلِكَ مِنْ قَلْبِي وَحَتَّى يَكُونَ
آن را از دل خود و تا باشد

الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدَ فِي دُنْيَايَ
غالب بر من زاهدی در دنیای من

وَحَتَّى اَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا وَآمَنَ
و تا بکنم ... و ایمن

وَكَبِيرِ س

تُضَعِّفَ خ

حُبّاً

مِنَ السَّيِّئاتِ فَرَقًا وَخَوْفًا وَهَبْ
از بدیهای از جدائی و ترس و بده
لِي نُورًا اَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَاَهْتَدِي
مرا نوری که بروم بان نور در میان مردمان و راه یابم
بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَاَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ
بان در تاریکیها و روشنائی یابم بان از
الشَّكِّ وَالشُّبُهَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
شک و شبهها بار خدایا درود ده
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ
بر محمد و آل او و روزی کن مرا ترس اندوه
الْوَعِيدِ وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ
بیم گناه و آرزوی ثواب وعده
حَتّٰى اَجِدَ لَذَّةَ مَا اَدْعُوكَ لَهُ وَكَأْبَةَ
تا بیابم لذت آنچه بخوانم ترا بسوی آن و اندوه
مَا اَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ قَدْ
آنچه زینهار میخواهم بتو از آن یا رب بدرستی که
تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ
تو میدانی آنچه مصلحت منست از کار دنیای من
وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا
و آخرت من پس باش بان مهربان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَارْزُقْنِي
بار خدایا درود ده بر محمد و آل او و روزی کن مرا

محمد

الحقّ عند تقصيري في الشكر
حق نزديك تقصير كردن من در شكر كردن
لك بما أنعمت عليّ في اليسر و
مر ترا بانچه نعمت كرده بر من در آساني و
العسر والصحّة والسقم حتّى أتعرّف
دشواري و صحت و بيماري تا بشناسم
من نفسي روح الرضا وطمأنينة
از تن خود رحت خشنودي و آرامش يقين
النفس منّي بما يجب لك فيما يحدث
نفس از من در انچه واجب است ترا در انچه بديد آيد مرا
في حال الخوف والأمن والرضا و
در حالت ترس و ايمني و خشنودي و
السخط والضرّ والنفع اللهمّ صلّ
خشم و زيان و سود يا رب درود ده
على محمّد وآله وارزقني سلامة
بر محمد و آل او و روزي كن مرا سلامتي
الصدر من الحسد حتّى لا أحسد
سينه از حسد تا نبرم حسد
أحدا من خلقك على شيء من فضلك
احدي را از آفريدگان تو بر چيزي از فضل تو
وحتّى لا [illegible] نعمة من نعمك
و تا [illegible] نعمتي از نعمتهاي تو

في العسر واليسر به

اليقين فيما يجب لك
ممّا يحدث في حاله

على احد من خلقك في دين او دنيا
بر یکی از خلق تو در دین یا در دنیا
او عافية او تقوى او سعة او
یا عافیتی یا پرهیزکاری یا فراخی یا
رخاء الا رجوت لنفسي افضل
آسایی مگر امید دارم بسوی از نفس خود بافضل از
ذلك بك ومنك وحدك لا شريك
از آن بتو و از تو و تو یی که شریک نیست
لك اللهم صل على محمد وآله وارزقني
ترا یا رب درود ده بر محمد و آل او و روزی کن
التحفظ من الخطايا والاحتراس
مرا نگاه داشتن از خطای و نگاهبانی
من الزلل في الدنيا والآخرة في حال
از جای شدن در دنیا و آخرت در حالت
الرضا والغضب حتى اكون بما
خشنود و خشم تا باشم با آنچه
يرد علي منهما بمنزلة سواء عاملا
اید برمن از آن هردو بمنزلت راست کارکننده
بطاعتك مؤثرا لرضاك على ما
بطاعت تو که برگزیننده خشنودی ترا بر آنچه
سواهما في الاولياء والاعداء
جز از این هردو در ... دشمنان

الخطاء

سواء کو

فی